

بررسی فقهی و حقوقی نفقه زوج و پیامدهای فردی و اجتماعی ترک انفاق بر

امنیت جامعه

رویا فرزین راد^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۲۸

چکیده

زمینه و هدف: یکی از وظایف مهم زوج در نظام خانوادگی اسلام پرداخت نفقه زوج است که ضرورت و کیفیت آن در مقررات حقوق مدنی ایران از جمله مواد قانون مدنی از دیرباز مورد توجه قرار گرفته است. موضوعی که در سال‌های اخیر، بدلیل اجراندشن صحیح آن میان خانواده‌های ایرانی، به جهت وجود مشکلات اقتصادی، فرهنگی و همچنین آگاهی ناکافی ایشان نسبت به این تکلیف، منجر به بروز و ظهور مشکلات متعددی در روابط و تعامل زوجین شده است. از سوی دیگر ترک نفقه از سوی زوج یکی از عوامل فزاینده طلاق در کشور است و دعاوی ناشی از آن باری سنگین بر دوش دادگاه‌های خانواده گذاشته است. تعهد در انجام وظایف زناشویی و اجتناب از توقعات نادرست، از بسیاری معضلات در کانون خانواده پیشگیری کرده، مسائل و اختلافات احتمالی را قابل حل و فصل خواهد کرد. در این پژوهش سعی شده علاوه بر بررسی فقهی و حقوقی نفقه زوج در شرایط مختلف، آثار ترک آن از جمله طلاق و پیامدهای منفی و ناگواری که این پدیده بر خانواده و جامعه می‌گذارد، مورد مطالعه قرار گیرد.

روش: این پژوهش از نظر روش، اسنادی است. روش گردآوری اطلاعات، مطالعه منابع مهم فقهی، حقوقی، تفسیری، رساله‌های دکتری و نیز مقالات حقوقی و تارنماهای مرتبط است و بصورت توصیفی تحلیلی و در حوزه مسائل نظری مطرح شده است.

یافته‌ها و نتایج: از آنجا که یکی از آثار ترک انفاق و یا شاید مهم‌ترین آن وقوع طلاق میان زوجین و فروپاشی نهاد خانواده است، مشخص شد شناخت آسیب‌ها و انحراف‌های فردی و اجتماعی بدون توجه به مسئله طلاق و پیامدهای آن امکان‌پذیر نخواهد بود. فروپاشی خانواده، بی‌ثباتی و تزلزل کل نظام جامعه را از زوایای مختلف در پی خواهد داشت و باعث سقوط اجتماع به سوی جرایم گوناگون خواهد شد. در انتها با تبیین و توصیه راهبردهای کاهش طلاق، پیشنهادهایی برای کاهش جدایی‌های ناشی از ترک انفاق ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم انتظامی امین، رایانامه: r.farzinrad@yahoo.com

نفقه زوجه، ترک نفقه، انحلال نکاح، پیامدهای طلاق



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در این پژوهش سعی شده مسایل مربوط به نفقه، شرایط استحقاق دریافت آن و نیز ضمانت اجرای آن با توجه به کتب فقهی، حقوقی، قوانین، رویه قضایی و نظرات مشورتی، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. با توجه به اینکه موضوع این پژوهش بررسی فقهی و حقوقی نفقه زوجه و پیامدهای فردی و اجتماعی آن بر امنیت جامعه است موارد زیر مورد بحث قرار خواهد گرفت. خانواده یک نهاد مقدس حقوقی و عاطفی است که تابع قوانین، مقررات و تعهدات متقابل است. از جمله این تعهدات تامین هزینه‌ها و مخارج زندگی زوجه است که از جمله تکالیف زوج محسوب می‌شود. در این پژوهش سعی شده نفقه زوجه در تمام شرایط مختلفی که ممکن است، یکی از زوجین در آن قرار گیرند و نیز شرایط مختلف استحقاق نفقه با توجه به موقعیت‌های مختلف در یکی از زوجین مانند فوت، ورشکستگی و...، و نیز نحوه اجرای احکام و تاثیر اعسار زوج بر اجرای حکم نفقه و نیز تعارض نفقه زن با طلب دولت و مطالبات مختلف دیگر مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد. **ارتباط پرداخت نشدن نفقه با انحلال نکاح** دومین مبحث است که نظرات مختلف فقها و حقوق‌دانان در این رابطه مطرح شده، همچنین وضعیت متفاوت زن و مرد نسبت به انحلال نکاح مورد بررسی قرار گرفته است. آثار و پیامدهای منفی انحلال نکاح در هریک از افراد خانواده و به دنبال آن در جامعه که پیامدهای سنگین و غم‌بار جسمی، روحی، اقتصادی، حیثیتی، فرهنگی و حتی جانی را بر جامعه تحمیل خواهد کرد در حقیقت هشداری جدی به خانواده‌ها و جامعه انسانی است که باید مورد تامل و دقت قرار گیرد، در این پژوهش مطرح خواهد شد. همچنین از آنجا که طلاق به هر دلیل که صورت گرفته باشد بطور مستقیم و غیرمستقیم خسارات قابل توجهی را علاوه بر افراد خانواده متوجه جامعه می‌کند، باید عللی که باعث کاستن از این پدیده اسف‌بار می‌شود مورد توجه جدی قرار گرفته و همکاری همه‌جانبه‌ای از سوی مسئولان صورت گیرد که در این پژوهش مورد اشاره قرار گرفته است.

بدلیل ارتباطی که بین ترک نفقه و انحلال نکاح وجود دارد و آثار و پیامدهای نامطلوب طلاق در افراد خانواده و به دنبال آن در جامعه و افزایش روزافزون این پدیده که درحقیقت بصورت یک بحران اجتماعی درآمده است، اهمیت بررسی این موضوع مشخص می شود. وجود پرونده‌های زیادی که در دادگاه‌های خانواده مربوط به دادخواست‌های مطالبه نفقه زوجه است، ضرورت پرداخت نفقه زوجه و ابعاد آن در فقه و حقوق را مشخص می کند. با این وصف، مهم‌ترین سوال‌های این پژوهش عبارت‌اند از: نفقه زوجه از دیدگاه فقه اسلامی و حقوق ایران در شرایط مختلف چگونه است؟؛ رابطه ترک انفاق با انحلال نکاح و فسخ آن چگونه است؟ و پیامدهای فردی و اجتماعی انحلال نکاح بر سلامت و امنیت جامعه چگونه است؟

مبانی نظری

جووانان باید بدانند در چه شرایطی متعهد هستند نفقه زوجه را پرداخت کنند و در صورتیکه قادر به ایفای تعهدات خود نباشند، چه مسائلی گریبان‌گیر آنها خواهد شد. علاوه بر این پیامدهای فردی و نیز پیامدهای اجتماعی وقوع طلاق ب افزایش جرایم و ناهنجاری‌های جامعه چگونه خواهد بود.

نفقه به فتح نون و فا، اسم است، از باب افعال و جمع آن نفاق و نفقات است و در لغت به معنای صرف و خرج و کسر و آنچه از درهم کم و فانی شود، است (جزیری، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۵۳۳)؛ برخی نفقه را به معنای بدل و بخشش گرفته‌اند (سیاح، ۱۳۷۳: ج ۲، ص ۱۷۰۸)؛ به نظر می‌رسد که نفقه‌ای که محل بحث است از ریشه خروج، رفتن، خرج کردن و هلاک شدن است و نیز به معنای هزینه‌ها که عهده کسی به سود غیر باشد مانند نفقه زوجه و اقارب (مبسوط، واژه ۱۸۱۸ و ترمینولوژی حقوق، واژه ۵۷۷۲). برای نفقه زوجه حقیقت شرعی وجود ندارد و شرع تعریف آن را به عرف واگذار کرده است، بنابراین آنچه را که عرف برای نفقه لازم می‌داند، آن چیز از موارد نفقه محسوب می‌شود، فقهای امامیه معمولاً نفقه زوجه را به معنای «غذا، لباس، مسکن و...» گرفته‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۴۹ و موسوی خمینی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۱۵ و خویی، ص ۳۹۳). امامی

(۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۳۴)، نفقه را تأمین مخارج ضروری فرد یا افرادی می‌داند که تحت تکفل شخص بوده و انسان قانوناً ملزم به رعایت آن است، قانون مدنی در ماده ۱۱۰۷ نفقه را بیان می‌کند که عبارت است از: «مسکن، البسه، غذا، اثاث البیت، هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض» (مجموعه قوانین و مقررات حقوق خصوصی).

فلسفه وجوب نفقه: حسن معاشرت و معاشرت از تکالیف مشترک زوجین است. ولی چون ریاست این گروه را بر اساس استنباطی که از آیات شریفه قرآن در سوره‌های نساء (آیه ۳۴)^۱ و بقره (آیه ۲۲۸)^۲ می‌شود، مرد برعهده دارد، قانونگذار او را موظف به تأمین معاش خانواده می‌داند. شاید فلسفه این قاعده این است که اداره خانواده و تربیت فرزند که وظیفه‌ای بس بزرگ است، به عهده زنان بوده و آنان به کار اقتصادی دیگر که منبع درآمدی برای آنان باشد، اشتغال نمی‌ورزند. پس تأمین بودجه زندگی مشترک برعهده سرپرست خانواده، یعنی مرد است و زن هر چند خود دارای درآمد و تمکن مالی باشد، از نفقه محروم نخواهد بود. از طرفی نیز باقی ماندن نشاط و جمال زن مستلزم آسایش بیشتر است و این با کار دائمی خارج از منزل منافات دارد.

شرایط وجوب نفقه زوجه: ماده ۱۱۰۲ ق.م. بیان می‌دارد همین که نکاح به طور صحت واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود. فقهای امامیه (محقق حلی، ج ۲، ص ۳۴۷ و نجفی، ج ۳۱، ص ۳۰۳) دو شرط را از شرایط وجوب نفقه ذکر کرده‌اند:

الف- دائمی بودن عقد: فقهای امامیه در وجوب نفقه، دائمی بودن عقد را لازم می‌دانند. قانون مدنی ایران نیز در ماده ۱۱۰۶ تصریح دارد که: «در عقد دائم نفقه زوجه به عهده

۱. الرجال قوامون علی النساء.

۲. وللرجال علیهن درجه.

شوهر است»؛ بدیهی است که در نکاح منقطع، شوهر ملزم به انفاق نیست، مگر اینکه به وجه ملزمی از طرف زوج تعهد به انفاق شده باشد (ماده ۱۱۱۳ ق.م).

ب- تمکین کامل زوجه: شهید اول در لمعه (۱۹۹۰؛ ص ۲۰۴) نفقه زوجه را به شرط تمکین کامل از زوج واجب می‌داند. مشهور فقهای اسلام در این خصوص اتفاق نظر دارند. از جمله شهید ثانی در شرح لمعه (۱۳۹۸؛ ج ۵، ص ۴۶۵) و محقق حلی در شرایع (۱۴۰۹؛ ج ۲، ص ۵۶۹) و میرزای قمی در جامع الشتات، حضرت امام خمینی (ره) نیز این نظر را برگزیده و چنین عقیده دارند که زن بدون تمکین، استحقاق نفقه ندارد (کریمی، ۱۳۶۵؛ ج ۱، ص ۱۴۱). پایه و نظرات این دسته از فقها قرآن مجید (نساء/۳۴، بقره/۲۳۳؛ طلاق/ ۱ و ۶) و اخبار و روایات است. در حقوق ایران، قانونگذار در ماده ۱۱۰۸ ق.م. به تمکین زوجه برای استحقاق نفقه اشاره کرده است و با توجه به این ماده می‌توان گفت که به مجرد عقد، زوجه مستحق نفقه نیست و با تمکین کامل زوجه، استحقاق نفقه پیدا می‌کند. پس همان‌طور که بیان شد، در قانون ما برای وجوب نفقه دو شرط لازم است، که یکی دائمی بودن ازدواج و دوم تمکین کامل زوج است.

میزان نفقه: فقهای شیعه برای نفقه زوجه حدی مقرر نکرده‌اند و حد آن را به عرف و عادت واگذار کرده‌اند. دانشمندان امامیه در تعیین مقدار نفقه سه نظریه مختلف دارند:

الف- ملاک حال زوج است: طرفداران این نظریه به آیه کریمه «لا یكلف الله نفسا الا ما اتیها» استدلال کرده‌اند؛ خداوند هیچ کس را تکلیف ما لا یطاق نکرده است (شیخ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۷ و مقدس اردبیلی، بی تا، ص ۵۴۱).

ب- ملاک حال زوجین است: علامه طباطبایی زیر آیه ۲۳۳ سوره بقره، «معروف» را به متعارف حال زوجین تفسیر می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۳؛ ج ۲، ص ۲۴۰).

پ- ملاک حال زوجه است: بنابراین نظریه، وضعیت، موقعیت، شأن خانوادگی و اجتماعی زوجه و مقدار نیازمندی‌های او، ملاک در تعیین مقدار نفقه است. شهید ثانی زیر عبارت یاد شده، به آیه «وعاشروهن بالمعروف» استدلال کرده و می‌نویسد: «از لوازم رفتار نیکو با زوجه، نفقه دادن به وی بر حسب آنچه عادتاً زوجه لایق است، می‌باشد» (عاملی، ۱۳۹۸؛ ج

۵، ص ۴۶۹). بیشتر فقهای امامیه نیز این نظریه را ترجیح داده‌اند (میرزای قمی، ص ۴۴۳ و شهید ثانی، احکام الجعفریه، مسئله ۱۷۳، حکیم، ج ۲، ص ۲۱۳ و امام خمینی، ج ۲، ص ۳۱۵).

وضعیت فقهی حقوقی نفقه در صورت حجر زوج

الف- در صورت فوت زوج: فقهای امامیه راجع به نفقه زن غیر حامل در مدت عده وفات دارای دو قول هستند: بعضی قایل به نفقه هستند. اما قول مشهور بر آن است که زن غیر حامل در مدت عده وفات مستحق نفقه نیست (طوسی، ۱۳۴۴: ص ۱۳۰). قانون مدنی نیز در ماده ۱۱۱۰ بیان داشته بود در عده وفات، زن حق نفقه ندارد. در سال ۱۳۸۱ با اصلاح قانون مدنی، مقرر شد در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه برعهده آنان است، در صورت پرداخت نشدن تأمین شود، البته این اصلاح صحیح نیست. موضوعی که در اصلاح طرح شده، مربوط به نفقه اقارب است و ربطی به نفقه واجب بر زوج ندارد. آیا تفاوت بین نفقه زوجه از اموال شوهر و نفقه زوجه‌ای که شوهر او فوت کرده است، از اموال خویشان خود (غیر از زوج) نیست؟ آیا حکم جدیدی وضع شده؟ آیا زوجه در عده وفات از اموال شوهر متوفی نفقه دارد؟ با توجه به ماده ۱۱۱۰ ق.م به نظر می‌رسد، که پاسخ به سؤال اخیر منفی است، اما واقعاً نظر قانون‌گذار چیست؟ (قاسم‌زاده و ره‌پیک، ۱۳۸۴: ص ۳۹۱). نتیجه‌ای که می‌توان از این بحث گرفت، این است که همان‌طور که بیان شد، این ماده قانونی بسیار مبهم تنظیم شده است و پرداخت نفقه ایام عده وفات زن را برعهده اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است گذارده است. در همین ارتباط و برای روشن شدن موضوع و اینکه نفقه زوجه در ایام عده وفات به عهده چه کسی است، به ناچار به مذاکرات مجلس شورای اسلامی در زمان تصویب قانون مراجعه شد (به نقل از روزنامه رسمی، شماره ۱۶۸۳۲-۱۹/۸/۸۱: صص

۱۰-۱۱).^۱ آنچه از ایراد شورای نگهبان به نحوه تنظیم ماده ۱۱۱۰ ق.م قبل از اصلاح و مذاکرات مجلس حاصل می شود، اینکه تصویب ماده قانونی مرقوم هیچ چیز فراتر از مواد ۱۱۹۶ و ۱۲۰۰ ق.م در نفقه اقارب به دست نمی آید، که آن هم مربوط به اقارب نسبی است و عملاً تصویب ماده ۱۱۱۰ ق.م تغییری در وضع نفقه زوجه در ایام عده وفات حاصل نمی کند و نمی توان خارج از شرایط نفقه اقارب تفسیر دیگری را اعمال کرد، که تکلیف مزبور خاص عده وفات نبوده و پس از این ایام نیز با وجود شرایط، نفقه به چنین فردی تعلق می گیرد. بنابراین اگر زوجه متوفی از اقارب نسبی ورثه نباشد، (مثلاً زن پدرشان بوده) ورثه هیچ تکلیفی در پرداخت نفقه ایام وفات ندارند (مهروپور و روشن، ص ۵۲).

ب- در صورت جنون زوج: قانون مدنی جنون را تعریف نکرده است؛ ولی فقها به طور دقیق مفهوم این کلمه را چنین مشخص کرده اند: جنون یعنی اختلال عقل؛ بنابراین، نسیان های سریع الزوال، بی هوشی های ناشی از هیجانات ناگهانی و نیز بیماری صرع، جنون به شمار نمی آید. منظور از اختلال عقل آن است که شخص در انجام وظایف عادی و معمولی روزانه خویش نامتعادل شده و اعمال بدون هدف از او سر بزند (نجفی، ۱۳۶۶: ج ۳۰، ص ۳۱۸). حال چنانچه زوج مجنون باشد، زن مسلماً از لحاظ ماهوی حق مطالبه نفقه حال و گذشته خود را از اموال زوج دارد و از دیدگاه فقهای عظام با حجر یا جنون زوج، نفقه ساقط نمی شود و بر ولی یا قیم وی تکلیف است که از اموال وی نفقه زوجه را اخراج و بپردازند. در صورتی که زوج مجنون باشد، با توجه به اینکه مجنون تحت ولایت پدر یا جد پدری است، پس در صورت اول پرداخت نفقه به عهده پدر زوج است و در صورت فوت پدر یا حجر وی ولایتش ساقط می شود و پرداخت نفقه به عهده جد پدری است و در صورت نبودن ولی خاص برای مجانین و اشخاص غیررشید که جنون یا عدم رشد آنها

۱. به نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۶۸۳۲-۱۹/۸/۱۳۸۱ مذاکرات جلسه ۲۶۳ مجلس شورای اسلامی، صص ۱۱-۱۰ مخر کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.

۲. ماده ۱۱۹۶ ق.م: در روابط بین اقارب، فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از سعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند.

متصل به زمان صغر بوده، دادگاه نصب قیم می‌کند، تا اداره اموال آنها را به عهده بگیرد (مهرپور، روشن و رمقانی، ۱۳۹۱: ص ۵۴).

پ- در صورت سفه زوج: سفیه بودن زوج نیز تأثیری در استحقاق زوجه به نفقه ندارد و زوجه مستحق نفقه می‌شود و می‌تواند نفقه خود را مطالبه کند، اما به نظر می‌رسد که در این صورت باید ولی یا قیم زوج را طرف دعوی خود قرار دهد.

ت- در صورت صغر زوج: در صورتی که زوج صغیر باشد از آنجایی که قدرت استمتاع ندارد، بنابراین نفقه بر او واجب نیست. البته بر این مورد اشکال وارد شده که در این مورد شرط وجوب نفقه یعنی تمکین از ناحیه زوجه حاصل است (شهید ثانی، ج ۵، ص ۴۶۵)؛ شیخ طوسی مخالف این نظر بوده و عقیده به ترک وجوب نفقه دارد، با این استدلال که خطاب ادله وجوب نفقه زوج‌های کبیر است و بنابراین متوجه زوج‌های صغیر نیست (طوسی، ج ۲، ص ۳۲۷)؛ محقق داماد (ص ۲۹۹) نظر شیخ طوسی را قوی می‌داند و بیان می‌دارند که، علاوه بر اینکه اصل برائت ذمه است، دلیلی بر شمول خطابات نسبت به ولی نیز وجود ندارد، مگر اینکه ولی در ضمن عقد نفقه را بر عهده گرفته باشد. بنابراین اگر ولی صغیر برای او زن بگیرد تا وقتی او قدرت بر جماع نداشته باشد، تعهد نفقه از وی ساقط می‌شود. و برخی معتقدند: در صورتی که زوج صغیر باشد، نفقه واجب است، زیرا شرط ثبوت نفقه، تمکین از طرف زوجه حاصل است و نشوز نیز محقق نشده است، بلکه عذر از طرف زوج است، وجود این عذر و مانع از طرف زوج سبب از دست دادن حق نفقه زوجه نمی‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۳۴۸ و نجفی، ۱۳۶۷: ج ۳۱، ص ۳۱۲).

ث- در صورت ارتداد زوج: به نظر نمی‌رسد که ارتداد زوج تأثیری در نفقه زوجه داشته باشد و زوج موظف است تا زمانی که زوجه تمکین می‌کند، نفقه او را پرداخت کند، و در واقع ارتداد زوج هیچ تأثیری بر نفقه گذشته زوجه که بر ذمه زوج قرار گرفته ندارد، و نفقه آینده نیز تا زمان انحلال زوجیت به دلیل ارتداد زوج بر عهده زوج است.

ج- در صورت ورشکستگی زوج: با توجه به مقررات ورشکستگی مشخص می‌شود که ورشکستگی زوج تأثیری بر استحقاق زوجه به نفقه ندارد و در صورتی که زوج وسیله‌ای

برای امرار معاش داشته باشد، باید خود نفقه زوجه را پردازد و در صورتی که نداشته باشد، باید طبق ماده ۴۴۷ قانون تجارت و ماده ۲۱ تصفیه امور ورشکستگی از عضو ناظر و اداره تصفیه، تعیین آن را بخواهد. در ارتباط با نفقه گذشته نیز نفقه زوجه در طبقه چهارم و مقدم بر طلبکاران عادی قرار می‌گیرد (مهرپور روشن و محمدی، ۱۳۹۱، ص ۵۷).

روش پژوهش

این پژوهش از نظر روش، اسنادی است. روش گردآوری اطلاعات از راه مطالعه منابع مهم فقهی، حقوقی، تفسیری، رساله‌های دکتری و نیز مقالات حقوقی و تارنماهای مرتبط است و به صورت توصیفی تحلیلی و در حوزه مسائل نظری مطرح شده است.

یافته‌های پژوهش

۱- تعارض نفقه زوجه با طلب دولت بابت مالیات و مطالبات سازمان تأمین اجتماعی از لحاظ تقدم

طلب دولت بابت مالیات و جرائم متعلقه و مطالبات سازمان تأمین اجتماعی، خارج از طبقه‌بندی قانون تصفیه امور ورشکستگی است، حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا نفقه زن بر این مطالبات مقدم می‌شود یا خیر؟ ممکن است گفته شود حمایت از افرادی که از لحاظ اقتصادی ضعیف هستند همواره از نظر قانونگذار ایران در درجه اول اهمیت قرار داشته است. به همین جهت قانون مالیات‌های مستقیم، مطالبات کارگران و کارمندان ناشی از خدمات را بر طلب دولت مقدم داشته است. همچنین حمایت از حقوق زن که منظور قانون حمایت خانواده بوده و نیز عموم تبصره ۲ ماده ۱۲ این قانون اقتضا می‌کند که نفقه زوجه و اولاد بر کلیه دیون دیگر مقدم باشد. بنابراین نفقه زوجه حتی بر طلب دولت بابت مالیات و طلب سازمان تأمین اجتماعی مقدم خواهد شد (صفایی و امامی، ص ۱۵۷). برخی از اساتید حقوق در انتقاد از این نظر بر این عقیده‌اند که: مالیات برای بقاء دولت و حفظ نظم و امنیت و تأمین منافع عمومی گرفته می‌شود و منافع عمومی باید بر منافع خصوصی مقدم باشد. به دیگر سخن، مالیات مبتنی بر نظم عمومی است و از این رو باید در صدر دیون ممتاز قرار گیرد، جز آنچه قانون به صراحت استثنا کرده باشد. از سیاق عبارت قانون

مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۴۵ (ماده ۱۵۳) و قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ (ماده ۱۰۶) چنین برمی‌آید که قانون‌گذار دیون مالیاتی را در صدر دیون ممتازه قرار داده و فقط طلب دارای وثیقه و مطالبات کارگران و کارمندان ناشی از خدمت را بر آن مقدم داشته است. در مورد رأی وحدت رویه شماره ۲۱۲ هم می‌توان گفت: این رأی فقط ناظر به ماده ۳۰ قانون مالیات بر درآمد ۱۳۳۵ است و شامل قوانین مالیاتی ۱۳۴۵ و ۱۳۶۶ نمی‌شود و در مورد این قوانین لازم‌الاتباع نیست (صفایی و امامی، صص ۱۵۸ و ۱۵۷). البته نظر برخی بر آن است که هر چند اساتید یادشده، این رأی را فقط ناظر به ماده ۳۰ قانون مالیات بر درآمد سال ۱۳۳۵ دانسته و شامل قوانین مالیاتی ۱۳۴۵ و ۱۳۶۶ نمی‌دانند، اما به نظر می‌رسد دلیلی بر اختصاص داشتن آن به قانون مالیات بر درآمد سال ۱۳۳۵ نداریم و با توجه به وحدت ملاک می‌توان این حکم را شامل دیگر قوانین مالیاتی نیز دانست (فرشتیان، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳).

۲- حقوق تطبیقی

نفقه زوجه در حقوق فرانسه: در حقوق فرانسه تعهد انفاق عبارت است از تعهدی که بر عهده شخصی می‌آید به منظور تامین شخص دیگری که نیازمند است و دارای نسبت خویشاوندی یا ازدواج با او است و بصورت وجه نقد پرداخت می‌شود. (S. Guinchord et G. Montagnier, Terms Juridiques, Paris, Dalloz)^۱ تعهد به انفاق امری دو طرفه است و یکی از تعهدات چهارگانه‌ای است که زوجین هنگام عقد ازدواج بعنوان وظایف همسری بر عهده می‌گیرند، چهار تعهد یادشده عبارت است از: (۱) تکلیف به وفاداری، (۲) تکلیف به زندگی مشترک، (۳) تکلیف به معاضدت و یابوری (یکی از موارد آن تعهد به انفاق است)، (۴) مشارکت در هزینه‌های زناشویی. (John Bell et al, The Principles of French law, pp 259)^۲ در حقوق این کشور تعهد به انفاق

۱. به نقل از مصدق صدقی، نشریه رهنمون، ص ۱۱۷

۲. همان

هنگامی صورت می‌گیرد که گیرنده انفاق نیازمند باشد. منظور از نیازمندی در این قانون، نیازمندی افراد کاهل و تنبل نیست، بلکه فرد نیازمند باید نیاز واقعی خود را اثبات کند. در حقوق فرانسه بر خلاف قانون مدنی ایران - که تکلیف نفقه بر عهده مرد و به نفع زن گذاشته شده و این تکلیف حتی در صورت توانگر بودن زن و تمکن مالی یا حتی معسر بودن شوهر از وی ساقط نمی‌شود - تکلیف نفقه دو طرفه و بر عهده زن و شوهر قرار می‌گیرد و کاملاً بر مبنای فقر و تمکن آنها تنظیم می‌شود (مصدق صدیقی، ص ۱۲۰).

نفقه زوجه در حقوق انگلیس: حقوق‌دانان انگلیسی معتقدند که از توجه به واقعیت نکاح در حقوق عرف، استنباط می‌شود که شوهر ملزم به نگهداری و حمایت از همسرش است. ممکن است در نظر اول، تکلیف شوهر به پرداخت مخارج زوجه در حقوق انگلیس را محدود به تهیه مسکن و ضروریات زندگی بدانیم. حال اینکه تامین مخارجی همچون هزینه حمل و نقل و یا تهیه اتومبیل، مخارج پزشکی و دارویی، همچنین سایر هزینه‌هایی که برای تهیه و خرید اقلام مفید به حال خانواده، لازم است به عهده شوهر است. (Black's law dictionary, 5th edition, 1979, West publishing co., pp 859) هرچه بیشتر مبانی حقوقی «کامن لو»^۲ در مسئله مورد بحث لازم است به برخی نکات توجه کافی شود؛ در حقوق انگلیس، اصطلاحات خاصی در مورد نفقه وجود دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

الف) نفقه مستمر (Permanent Alimony): پیش‌بینی خاصی است که در حقوق انگلیس وارد شده است. بر طبق آن مرد می‌تواند با اندراج شرطی در ضمن عقد نکاح یا قرارداد جداگانه‌ای، نگهداری و تامین مایحتاج زندگی همسر خود را در تمام طول عمرش حتی پس از فوت خود بر عهده گیرد. در چنین مواردی اگر شوهر قبل از زن فوت کند، وارثان شوهر ملزم به پرداخت مبلغ پیش‌بینی شده از محل ماترک متوفی هستند.

۱. به نقل از یارارشدی، ۱۳۷۹: ص ۱۴۷

ب) ودیعه نفقه (Alimony Trust): گاهی مواقع شوهر مالی را به شخصی انتقال داده تا او بعنوان امین، آن را حفظ کرده و اداره می کند و همسرش بعنوان ذینفع می تواند بعد از طلاق و یا مفارغت از منافع آن به قدر پیش بینی شده استفاده کرده و بهره مند شود (Black's law dictionary, pp 1353).

هنگامی که زن و شوهر قصد داشته باشند که جدا از یکدیگر زندگی کنند بدون وقوع طلاق، می توانند قراردادی را با یکدیگر منعقد کرده و نحوه تامین مخارج زندگی و سایر مسائل مورد اختلاف را در ضمن آن مورد توافق قرار دهند. به این قرارداد در حقوق انگلیس «توافقات بر مایحتاج زندگی»^۲ اطلاق می شود (Family Law, Victor Davidson, pp 22).

۳. ارتباط انحلال نکاح و ترک انفاق

انحلال ارادی و غیر ارادی نکاح: در فقه اسلامی، انحلال نکاح در چند مورد محقق می شود که برخی ارادی و برخی غیر ارادی است. از جمله مواردی که نکاح با اراده و به نحو ایقاع، واقع می شود، انحلال نکاح به جهت فسخ و یا طلاق است. ولی انحلال غیر ارادی شامل مصادیق انفساخ نکاح، مانند لعان و ارتداد خواهد بود. حال اگر شوهری نفقه همسرش را در نکاح دائم علی رغم یسر و یا با فرض عسر مالی نپردازد و همسر او نیز در عسر یا یسر مالی باشد، این نکاح مطمئناً به نحو غیر ارادی منحل نمی شود، بلکه نیازمند اراده است.

موجبات طلاق: مقصود از موجبات یا اسباب طلاق چیزهایی است که مجوز طلاق به شمار آمده و به استناد آنها می توان اقدام به طلاق کرد. در قانون مدنی نیز در مواد مختلف موجباتی را برای طلاق به درخواست زن مقرر داشته است که مبتنی بر فقه اسلامی است و

۱. به نقل از یار ارشدی، ۱۳۷۹: ص ۱۴۹

این موارد به اختصار عبارت‌اند از: الف- استنکاف یا عجز شوهر از دادن نفقه؛ ب- عسر و حرج؛ پ- غیبت شوهر بیش از چهار سال و ت- وکالت زن در طلاق.

اراده زوج در طلاق: موجبات طلاق در حقوق فعلی ایران به سه طریق است که عبارت‌اند از: اراده مرد در طلاق، موجبات طلاق به درخواست زن و توافق زوجین برای طلاق. طبق ماده ۱۱۳۳ ق.م.م.رد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد. این قاعده مبتنی بر فقه اسلامی است که اختیار طلاق را اصولاً به دست مرد داده است. در توجیه اختیار مرد در طلاق گفته‌اند: هر زمان که شعله محبت و علاقه مرد خاموش شود ازدواج از نظر طبیعی مرده است. روان‌شناسی زن و مرد متفاوت است، طبیعت کلید محبت طرفین را به دست مرد داده و نقش زن همان است که علاقه‌اش به صورت واکنش علاقه مرد به او باشد؛ مرد است که اگر زن را دوست بدارد و به او وفادار بماند زن نیز او را دوست می‌دارد و به طور قطع زن طبعاً از مرد وفادارتر است؛ پس بی‌علاقگی مرد زن را نیز دلسرد می‌کند، اما بی‌علاقگی اگر از جانب زن شروع شود تاثیری در علاقه مرد ندارد، بلکه احیاناً آن را تیزتر می‌کند، از این رو سردی و خاموشی علاقه مرد مرگ ازدواج و پایان حیات خانوادگی است، اما سردی و خاموشی علاقه زن به مرد آنرا به صورت نیمه جان در می‌آورد که اگر مرد عاقل و وفادار باشد می‌تواند با ابراز محبت، علاقه زن را بازگرداند، این کار برای مرد اهانت نیست که محبوب خود را با زور قانون نگهدارد تا تدریجاً دل وی را به دست آورد، اما برای زن اهانت است که برای حفظ حامی و دل‌باخته خود به زور و اجبار قانون متوسل شود. البته این در صورتی است که علت بی‌علاقگی زن، فساد اخلاق و ستمگری مرد نباشد؛ اگر مرد ستمگری کند و زن بخاطر ستمگری و اضرار مرد به او بی‌علاقه شود، مطلب دیگری است (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۲۴۹).

اشتباه غربی‌ها و مقلدان آنها در اینجاست که از طرفی موجبات هوسرانی و بی‌علاقگی مردان را به همسرانشان فراهم کرده‌اند و از طرفی می‌خواهند با زور قانون آنها را به هم متصل کنند. آنچه دنیای غرب در حال حاضر خود را فریفته آن نشان می‌دهد، «تساوی» زن و مرد است؛ در حالی که در مسائل خانوادگی چیزی بالاتر از تساوی وجود دارد. جامعه

غربی به جای درمان دردهای بی‌پایان اجتماع و اصلاح نقاط ضعف مردان و زنان و استوار کردن بنیان خانواده‌ها، روز به روز کانون خانواده را متزلزل‌تر می‌کند و خوشحال است که به سوی تساوی پیش می‌رود. اسلام ضمن آنکه با طلاق دشمن است، اما راه آنرا مسدود نمی‌کند و کوشش می‌کند که طلاق‌های ناجوانمرده از میان برود و در این راه با عوامل بی‌وفایی و هوس‌بازی مبارزه می‌کند، اما حاضر نیست زن را به زور به مرد ناجوانمرد و بی‌وفا بچسباند (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۲۵۶). از دیدگاه فقها راه طلاق همان طوریکه برای مرد باز است برای زن نیز بسته نیست، اما در خروجی مرد با در خروجی زن متفاوت است (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۲۸۱).

در این میان، برخی از حقوق‌دانان نیز معتقدند اگر بتوان، با عنایت به نحوه بیان آیات و حتی گاهی روایات و شأن نزول آنها و ملاحظات و ترتیبی که در آنها وجود دارد به این نتیجه رسید که عنایت خاصی بر قرارداد حق ذاتی برای مرد، در طلاق وجود نداشته، می‌توان با دید بازتر و مصلحت‌بین‌تری به مسئله نگاه کرد و مقررات قانونی را به گونه‌ای تنظیم کرد که به واقع، رعایت انصاف و عدالت در مورد زن، همان‌گونه که مورد نظر قرآن است به عمل آید و خواست و تمایل و نیاز انسانی زن نیز همانند مرد، مورد توجه قرار گیرد. به نظر می‌رسد، ماده واحده قانون اصلاح مقررات طلاق مصوب سال ۱۳۷۱ تا حدودی با همین دیدگاه عمل کرده و مداخله دادگاه را در مورد تقاضای طلاق چه از جانب مرد و چه از جانب زن باشد، لازم دانسته است که اگر درست اجرا شود، می‌تواند نقش مهمی در ایجاد تعادل بین حق زن و مرد داشته باشد (مهرپور، ۱۳۸۷، صص ۲۰۲ و ۲۰۳).

۴. بررسی و تحلیل حقوقی موضوع انحلال نکاح و ترک انفاق

ملاک تحقق امتناع از پرداخت نفقه: از آنجا که عوامل اقتصادی در زندگی نقش مهمی دارد، بنابراین می‌تواند منشأ بسیاری از اختلاف‌ها، پس از انجام ازدواج شود. در ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی، در صورتی به زن اجازه داده شده است تا به جهت ترک انفاق شوهرش نسبت به او، به دادگاه مراجعه کند و تقاضای طلاق کند که شوهر از پرداخت نفقه

استنکاف کند و دادگاه صالح، او را به پرداخت نفقه محکوم کند و اجرای حکم محکمه مبنی بر پرداخت نفقه، ممکن نشود. با توجه به این بیان قانون مدنی باید گفت در پرونده طلاق، به موضوع نفقه رسیدگی نخواهد شد، بلکه باید ابتدا مراحل قانونی طی شود و زوجه دادخواستی را به دادگاه خانواده تسلیم کند که خواسته آن، الزام خواننده به پرداخت نفقه باشد و دادگاه با توجه به ادله اثبات دعوی و با توجه به سبب وجوب انفاق و سایر مباحث مربوطه، احراز کند که شوهر باید به زن نفقه بپردازد و در این جهت، مرد را به پرداخت نفقه محکوم کند و حکم صادره، به جهت ترک اعتراض در مهلت قانونی یا به جهت ابرام در مرجع تجدید نظر یا به جهات دیگر قطعیت یابد. پس از آن حکم قطعی به طرفین ابلاغ شده و پس از صدور اجرائیه، پرونده تشکیل شود و مراحل قانونی جهت اجرای حکم سپری شود. بنابراین چنانچه اجرای حکم دادگاه، خواه به جهت ممانعت محکوم علیه و خواه به جهت عسراو، ممکن نباشد، جری تمام این تشریفات، مقدمه تشکیل پرونده طلاق دانسته شده است.

باید دانست اگر زنی، شوهرش را تحت تعقیب کیفری قرار دهد و در دادگاه جزا، در اجرای ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی، مرد به تحمل حبس محکوم و این حکم اجرا شود، این پرونده مقدمه‌ای برای تشکیل پرونده طلاق به لحاظ ترک انفاق نخواهد بود - زیرا قانون مدنی از محکومیت مرد به پرداخت نفقه و نبود امکان اجرای حکم، در این خصوص سخن گفته است در حالیکه در پرونده جزایی، فقط شوهر از جهت ترک پرداخت نفقه تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرد و دستور صدور مبلغی خاص به عنوان نفقه در این پرونده متصور نیست (حبیبی تبار، ۱۳۸۶، ش ۱۵، صص ۵۱ و ۵۲ و گلدوزیان، ۱۳۸۳، محشای قانون مجازات اسلامی).

طلاق یا فسخ نکاح: قانون مدنی قول به ترتب الزام به طلاق بر الزام قبلی به انفاق را پذیرفته است و نه فسخ نکاح را، که موافق با نظر برخی فقهای امامیه و نیز فرقه مالکیه از اهل سنت است (محقق حلی، ص ۴۲۴ و نجفی، ۳۸۸ و الدسوقی، ج ۲، ص ۵۱۸).

ضمانت اجرای ترک پرداخت نفقه

الف - ضمانت اجرای مدنی: هر گاه مردی از پرداخت نفقه استنکاف کند، زوجه می‌تواند دادخواست مطالبه نفقه معوقه و جاریه به محکمه تقدیم کند و در این صورت دادگاه مطابق ماده ۱۱۱۱ ق.م.^۱ زوج را به پرداخت نفقه - برخلاف عجز از پرداخت نفقه که حکم آن متفاوت است - محکوم می‌کند و اگر الزام زوج به پرداخت نفقه ممکن نباشد، در این صورت زوجه طبق ماده ۱۲۰۵ ق.م.^۲ از اموال زوج با اجازه دادگاه به قدر نفقه برداشت می‌کند و اگر زوج اموالی نداشت، می‌تواند به اعتبار زوج، استقراض کند (امامی، ج ۵، صص ۸۴-۸۳) و اما در صورتی که الزام زوج ممکن نبود و کسی هم به زوجه قرض نداد، زوجه می‌تواند به شرح ماده ۱۱۲۹ ق.م. تقاضای طلاق کند: «در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و ترک اجرای حکم دادگاه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌کند، همچنین است در صورت عجز شوهر از پرداخت نفقه.»

پس همان‌طور که ذکر شد، در صورت مراجعه به زوج و استنکاف او از پرداخت نفقه، زوجه برای مطالبه نفقه به دادگاه رجوع می‌کند. اما اگر حکم دادگاه نیز مؤثر واقع نشود (یعنی در صورت ترک اجرای حکم دادگاه) زن می‌تواند طلاق خود را از دادگاه درخواست کند. تمام فقهای اسلام (حکیم، ۱۳۷۴، ص ۷۵) معتقدند اگر شوهر از پرداخت نفقه زن امتناع کند، حاکم او را مجبور به پرداخت می‌کند و اگر اجبار وی به انفاق ممکن نباشد، حاکم او را وادار به طلاق می‌کند.

۱. ماده ۱۱۱۱ ق.م: زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند، در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد.

۲. ماده ۱۲۰۵ ق.م: در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه برعهده اوست ممکن نباشد، دادگاه می‌تواند با مطالبه افراد واجب‌النفقه به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستتکف در اختیار آنها یا متکفل مخارج آنها قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستتکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می‌تواند نفقه را به عنوان قرض بپردازد و از شخص غایب یا مستتکف مطالبه نمایند.

ب - ضمانت اجرای کیفری: ماده ۲۲ قانون جدید حمایت خانواده درباره مجازات ترک انفاق چنین مقرر می‌داشت: «هر کس با داشتن استطاعت، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید، به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت یا وقوع طلاق در مورد زوجه تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد». این ماده به موجب ماده ۱۰۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ فسخ شد. برابر ماده اخیر «هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید، دادگاه می‌تواند او را به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم نماید». این ماده نیز به موجب ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ فسخ شد. طبق ماده اخیر برای ترک انفاق، مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا پنج ماه مقرر شده است. این ماده تنها از لحاظ مجازات با ماده پیشین تفاوت دارد. همچنین باید توجه داشت که این ضمانت اجرای کیفری مربوط به نفقه حال و یا آینده است و چون نفقه گذشته زوجه تبدیل به دین می‌شود، شامل نفقه گذشته نمی‌شود و نفقه گذشته فقط دارای ضمانت اجرای مدنی است. در امور کیفری شک به نفع متهم است و مواد کیفری را نباید به زیان او تفسیر موسع کرد؛ پس ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی را نباید به موردی که مرد از پرداخت نفقه گذشته زن خودداری می‌کند گسترش داد، و اگر شوهر مخارج ضروری زن را در آینده تأمین کند، مصلحت خانواده اقتضا می‌کند که زن نتواند برای طلب خود بابت نفقه گذشته، رئیس خانواده را تعقیب کیفری کند (صفایی و امامی، ۱۳۸۹ ص ۱۶۴).

اکنون با تأیید بخشی از مصوبه مجلس شورای اسلامی، قانون حمایت خانواده^۱ در ماده ۵۵ مقرر داشته است هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش

محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود. تبصره: امتناع از پرداخت نفقه زوجه‌ای که به موجب قانون مجاز به ترک تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی، مشمول مقررات این ماده است (مهرپور و روشن، ۱۳۹۱، صص ۲۲۷-۲۲۸).

حقوق تطبیقی

الف - طلاق در حقوق فرانسه: به موجب ماده ۲۲۹ اصلاحی قانون مدنی فرانسه مصوب ۱۹۷۵، در این موارد حکم طلاق صادر می‌شود: (۱) رضایت زوجین؛^۲ (۲) قطع زندگی مشترک^۳ و (۳) تقصیر.^۴

رضایت زوجین و تقاضای مشترک ایشان: ماده ۲۳۰ قانون مدنی می‌گوید: «هرگاه زن و شوهر به اتفاق درخواست طلاق نمایند، مجبور به ذکر علت آن نیستند و فقط باید طرح قراردادی را- که نتایج حاصل از طلاق در آن ذکر شده است- جهت تأیید به قاضی تسلیم نمایند». برابر ماده ۲۳۲ جدید قانون مدنی، در صورتی قاضی حکم طلاق صادر خواهد کرد که در مورد رضایت واقعی زوجین و آزادی عمل آنان امتناع وجدانی پیدا کند.

طلاق به سبب قطع زندگی مشترک:^۵ برابر ماده ۲۳۷ قانون مدنی فرانسه، وقتی که زوجین عملاً ۶ سال از هم جدا زندگی کرده باشند همسر می‌تواند به علت قطع رابطه طولانی تقاضای طلاق کند. همین حکم به موجب ماده ۲۳۸ قانون مدنی در موردی نیز جاری است که یکی از زوجین مبتلا به جنون بوده و از ۶ سال به این طرف قوای دفاعی او شدیداً مختل شده باشد؛ به حدی که بین زن و شوهر زندگی مشترک وجود نداشته و طبق

۱. طلاق در فرانسه و ایتالیا، دکتر محمود عرفانی

۲. consentment mutuel

۳. Rupture de la vie commune

۴. faute

۵. le divorce pour rupture de la vie commune

پیش‌بینی‌های معقول، در آینده نیز برقراری آن ممکن نباشد؛ اما در صورتی که طلاق اثرات سوء شدیدی در بیماری هم‌سر داشته باشد، قاضی می‌تواند علاوه بر آنچه که در ماده ۲۴۰ آمده، تقاضای طلاق را رد کند.

طلاق به سبب تقصیر^۱: برابر ماده ۲۴۲ قانون مدنی، طلاق ممکن است توسط یکی از زوجین به سبب اعمال قابل انتساب به طرف دیگر تقاضا شود، این در صورتی است که این اعمال تخطی شدید یا تکراری از تکالیف و الزامات زناشویی را در بر داشته و بقای زندگی مشترک را غیرقابل تحمل سازد. در تقاضای طلاق به سبب تقصیر اگر طرفین سازش کنند دیگر نمی‌توانند به استناد همان تقصیر تقاضای طلاق کنند.

طلاق در حقوق انگلیس (کامن لو)

در حقوق انگلیس صدور حکم طلاق بوسیله دادگاه تا اواسط قرن نوزدهم ممنوع بود. اولین قانونی که طلاق قضایی را در این کشور به رسمیت شناخت، قانون امور زناشویی مصوب سال ۱۸۵۷ میلادی بود که فقط زنا را علت طلاق محسوب می‌کرد. سپس قوانین دیگری به تصویب رسید و علل دیگری را به علت یادشده افزود. در قانون سال ۱۹۶۹ میلادی قانونگذار انگلیسی گرایش بیشتری به پذیرش «طلاق- درمان» یا طلاق مبتنی بر شکست زندگی زناشویی نشان داده است زیرا قانون مصوب ۱۹۶۹ و پس از آن قانون ۱۹۷۳ یک علت کلی برای طلاق ذکر کرده که عبارت است از شکست زندگی زناشویی بگونه‌ای که قابل جبران نباشد، ولی از آنجا که روحیه حقوقدانان و قانونگذاران کامن لو با اصول و قواعد کلی سازگار نیست، قانونگذار انگلیس پس از ذکر علت کلی یادشده به ذکر علل خاصی (مانند ترک همسر به مدت دو سال مداوم و یا جدایی زوجین به مدت پنج سال مداوم) برای طلاق پرداخته است که توضیحی بر علت کلی است و دادگاه در صورتی می‌تواند حکم به طلاق دهد که شکست ازدواج و زندگی زناشویی با اثبات یکی از علل خاص مذکور در قانون احراز شود. در واقع قانونگذار انگلیسی خواسته است بدین

۱. la divorce pour fatue

وسيله از خودسرى قاضى و تشتت آراء جلوگيرى كند. (Marc Ancel, Le divorce a L'etranger, paris, 1975, pp 126)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فقر اقتصادی، طلاق و بزهکاری

یکی از مسائلی که تعاملات مثبت بین زوجین را کاهش می دهد، و آنها را به سوی طلاق سوق می دهد، محرومیت اقتصادی است. موضوع کاهش درآمدها از یک سو و تورم از سوی دیگر تنش و جدال در داخل خانواده‌ها را فزونی داده و تغییر نیازهای مادی و معنوی افراد موجب ایجاد مشکلاتی در زندگی‌ها شده و وقوع طلاق معلول چنین ناسازگاری‌هایی خواهد بود. برخی در این رابطه معتقدند: «طلاق نتیجه جامعه‌ای است که هیچ رابطه نرمالی بین درآمد و هزینه برقرار نکرده است. از سویی مانور تجمل در جامعه سر داده می شود و از سوی دیگر برنامه تعدیل اقتصادی ارائه می شود که موجب شکاف بین مطالبات و امکانات گردیده و معضلات اقتصادی منجر به افزایش طلاق شده است. به نظر می رسد برنامه تعدیل ساختاری از طریق تورم فزاینده و گسترش و تعمیق فقر، علاوه بر اینکه در کوتاه مدت اثر از هم گسیختگی و طلاق را برجای می گذارد، در بلندمدت آثاری بر نهاد خانواده می گذارد که بسیار عمیق تر است و بیشتر مترتب بر فرزندان است» (بابایی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳). براساس پژوهش‌های انجام شده حدود نیمی از شوهران زوجینی که طلاق گرفته‌اند از درآمد کافی برخوردار نبوده‌اند، بنابراین فقر اقتصادی یکی از علل مهم طلاق محسوب می شود. ناپایداری در طبقات فقیر بیشتر از طبقات دیگر جامعه است (شیرزاد و کاظمی فر، ۱۳۸۴، ص ۳۷)؛ یکی از پژوهشگران می نویسد ۸۶ درصد پاسخگویان در طبقه اجتماعی پایین اظهار داشته‌اند که همسر آنان از عهده مخارج زندگی بر نمی آید و ۷۴/۶ درصد طبقه متوسط هم این مشکل اقتصادی را داشته‌اند و فقط ۱/۳ درصد پاسخگویان در طبقه بالا گفته‌اند که همسران آنان از عهده مخارج زندگی بر نمی آیند (آقاجانی، ۱۳۹۰، ص ۵۵) بر هم خوردن ساختار اقتصادی و اجتماعی نیز از عوامل گسترش طلاق است. زیرا باعث دگرگونی اجتماعی شده و بسیاری از بخش‌های سنتی دچار تزلزل و بی ثباتی می شوند. در این میان از نقش عمیق رسانه‌ها و وسائل ارتباط جمعی نباید غفلت کرد، همچنان که «عملکرد منفی این رسانه‌ها عبارت است از: ازدیاد عطش نوحواهی و تجددطلبی به شکلی که از همین ناحیه ضربه‌های فراوانی بر خانواده وارد می آید. در کنار

این مسئله، فشارهای روحی و عقده‌های ناشی از دیدن این فیلم‌ها را بر خانه و خانواده تحمیل خواهد کرد و تحت تاثیر عمیق رسانه‌هاست که ارزش‌ها تغییر می‌کند و تغییر ارزش‌ها یکی از زمینه‌های اجتماعی طلاق است» (حاجی حسینی، ۱۳۸۰، ص ۹۱).

مساواتی (۱۳۷۴، ص ۳۱۱) معتقد است که عامل اصلی بزهکاری، پدید آمدن شرایط نامناسب است. زیرا در نتیجه نامناسب بودن محیط خانواده، ترس و ناامیدی کودکان شدت می‌یابد و این امر محبت و سازگاری را از بین برده و ناسازگاری تشدید می‌یابد. بنابراین شرایط نامناسب خانواده و ترس و ناامیدی از عواملی است که تعادل روانی اطفال و نوجوانان را مختل کرده، مانع تفاهم و سازش اجتماعی آنها می‌شود. به نظر می‌رسد که واکنش‌های روانی در حقیقت ناشی از تاثیر محیط غیرعادی و نامناسب زندگی باشد به عبارت دیگر، میان عقده‌های روانی و بزهکاری وقتی رابطه علت و معلولی برقرار می‌شود که با محیط نامناسب توأم شود. شامبیاتی (۱۳۷۷، ص ۱۵۰) هم در مورد علل بزهکاری می‌گوید: «دو علت عمده برای بزهکاری نوجوانان وجود دارد. یکی عوامل بزه‌زای داخلی مانند اختلال روانی و یا بیماری‌های مادر در دوران بارداری و دیگر عوامل بزه‌زای خارجی که ناشی از مشکلات زندگی خانوادگی مانند اعتیاد اعضای خانواده، نابسامانی موجود در خانواده، کمبود محبت، اختلافات خانوادگی، دیدگاه فرهنگی، اشتغال مادر و یا فقدان والدین به دلیل فوت یا طلاق است». براساس برخی بررسی‌های تجربی مشخص شده است که از ۳ تا ۲۵ درصد از دانش‌آموزان در سنین مدرسه از بیماری‌های روانی جدی نظیر افسردگی شدید، افکار انتحاری، و مشکلات وخیم توجه یا روان‌پریشی^۱ و وسواس جبری^۲ رنج می‌برند (اصغرنژاد، ۱۹۹۹). به منظور پیشگیری و یا درمان مشکلات روان‌شناختی کودک و نوجوان لازم است عوامل خانوادگی، محیطی، فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی و... را مد نظر قرار داد که در این میان عوامل خانوادگی بسیار مهم به نظر می‌رسد.

پیامدهای فردی و اجتماعی طلاق (در پی ترک انفاق و فروپاشی خانواده)

1. Psychosis
2. Obsessive-compulsive disorder

پیامدهای طلاق بر کودکان: کودکان و نوجوانان نخستین قربانیان واقعه طلاق هستند که آثار مخرب معنوی و مادی زیان بار آن بر آنان تحمیل می شود و این آثار در اجتماع خود را نشان خواهد داد. طبق نظر پژوهشگران «اختلالات رفتاری و روانی در کودکان» بیشترین پیامدی بود که در کودکان مشاهده شد و مشخص شد که تفاوت معناداری میان نوجوانان طلاق و نوجوانان عادی از نظر ابعاد مختلف بهداشت روان وجود دارد. در همین رابطه در سطح اختلالات رفتاری نیز، تفاوت معناداری میان کودکان طلاق و کودکان عادی در پژوهش دیگری مشاهده شد، به طوری که میزان پرخاشگری کودکان طلاق بیشتر از میزان پرخاشگری کودکان عادی بود. در برخی پژوهش ها نیز که پیامدهای طلاق به طور غیرمستقیم مورد مطالعه قرار گرفته، طلاق به عنوان علل بروز این اختلالات شناسایی شد. هنگامی که طلاق، زنجیر خانواده را از هم می گسلد، پدر و مادر هویت جداگانه ای دارند و این فرزند است که بی پناه و متزلزل در اجتماع رها می شود، حتی اگر زیر چتر حمایتی یکی از والدین هم باشد، اغلب جامعه به دیده یک فرزند در مانده به او می نگرد. جدایی پدر و مادر یک اثر آنی و زودگذر برای کودکان نیست و اثر منفی خود را در تمام مراحل زندگی فرزندان خواهد داشت. زندگی با یکی از والدین نمی تواند شخصیت کامل و متعادلی را در کودک پدید آورد. اینگونه زندگی نمی تواند همه نیازهای کودک را برآورده سازد. بحران عاطفی، در صورت توجه و ناامیدی از زندگی دوباره با والدین، اثرات درازمدت طلاق را بر کودکان بسیار زیاد و گاه جبران ناپذیر می کند. آنها آینده خوبی را برای خود تصور نمی کنند و اطمینان خود را به ارکان زندگی از دست می دهند.

یکی از پژوهشگران می نویسد: «بی گمان بعضی از بزهکاران جوان متعلق به خانواده هایی هستند که دچار تعارض و کشمکش های خانوادگی و اختلالات روانی و عاطفی هستند، وجود تنش های روانی و اختلالات عاطفی در خانواده کودک، می تواند او را وادار به فرار از خانه و همکاری و تشریک مساعی با گروه بزهکاران کند. در روان شناسی جنایی، «بروز انحرافات اجتماعی یا جامعه زدگی و تشکیل گروه آسیب دیدگان اجتماعی، ثمره جراحت

عاطفی کودکان در خانواده‌های طلاق تشخیص داده می‌شود» (کی‌نیا، ۱۳۷۳، ص ۴۷۶).
آمارها مؤید این نکته است که بیشتر جرم و بزه‌کاری‌های کودکان و نوجوانان ریشه در مسائل و مشکلات خانوادگی، طلاق و از هم پاشیدگی کانون گرم خانواده دارد. طبق نظر پژوهشگران: «میزان جرایم و خودکشی در اطفال باقیمانده از طلاق به نحوی بارز افزایش می‌یابد. این اطفال خیلی بیشتر از دیگر همسالان خود مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند و بی‌بندوباری و اعتیاد نیز در میان آنان شیوع بیشتری دارد. پژوهش‌های انجام شده درباره علل بزه‌کاری کودکان نشان می‌دهد که «کودکان طلاق از امنیت روانی و عاطفی برخوردار نبوده و وجود جانشین مادر در محیط خانواده منجر به ناسازگاری، انحراف و فرار کودک از محیط خانواده می‌شود» (مساواتی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۴). فرزندان طلاق به این علت که از ابتدا شاهد جنجال‌های خانوادگی بوده‌اند از روحیه حساس و شکننده‌ای برخوردارند و به ندرت دیده شده که با فرد دیگری که بجای مادر یا پدر به زندگی آنها وارد می‌شوند ارتباط خوبی برقرار کنند. آنها معمولاً این فشارهای روحی را تا آخر عمر با خود داشته و در برخی موارد نیز این آسیب‌های روحی در قالب حس انتقام از جامعه بروز می‌کند و فرد را از داشتن یک زندگی سالم محروم می‌کند (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۴۵). از میان انواع جرایم ارتكابی نوجوانان، فرار از منزل، دزدی، ضرب و شتم، خرابکاری، رفتار وحشیانه، مصرف الکل و مواد مخدر، روسپیگری، لواط، هتك حرمت، قچاق و قتل را نام برده‌اند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰) که نشانگر سرعت پیشرفت و افزایش بزه‌کاری است. در این ارتباط سازمان ملل گزارشی باعنوان «شکل‌های جدید بزه‌کاری نوجوانان» منتشر کرده است که از آن استنباط می‌شود که «سرکشی» یکی از موضوع‌های اساسی جوانان محسوب می‌شود و بیشتر خانواده‌هایشان دچار از هم پاشیدگی، الکلیسم، لاقیدی نسبت به مذهب و فقدان نظم و انضباط‌اند (صادقی و حمیدی، ۱۳۸۴، ص ۴۸).

فرزندان طلاق به راحتی فریب ظاهر آراسته و سخنان فریبنده افراد را می‌خورند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد «دختران از مقطع سنی دوازده تا هفده سالگی در معرض انحرافات جنسی قرار دارند» (شرافتی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹). فرزندان پسر در همانندسازی مردانه دچار

اشکالات زیادی خواهد شد و در بسیاری از موارد تمایلات همجنس‌گرایانه از خود بروز می‌دهند و اتکای به نفس آنان نیز به شدت کم می‌شود. «طلاق والدین بر ویژگی‌هایی چون اضطراب، گوشه‌نشینی، بهانه‌جویی، پرخاشگری، انتقام‌جویی، بی‌رحمی، غمگین بودن، زودرنجی، نزاع و درگیری، بدخواهی، بی‌اشتهایی، بی‌زاری از زندگی، شک و دودلی و احساس بیماری در کودکان اثر فزاینده دارد» (محبی، ۱۳۸۰، ص ۱۸). کودک‌آزاری نیز از دیگر پیامدهای اجتماعی طلاق است. یافته‌های پژوهش ویژه (۱۳۸۷، ص ۱۴) حاکی از آن است که تفاوت معناداری در میزان شیوع کودک‌آزاری - در حیطه‌های جسمی، بی‌توجهی و عاطفی - و سابقه طلاق والدین در خانواده وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش دیگری نشان می‌دهد که بین وضعیت سرپرستی و بروز کودک‌آزاری رابطه معناداری وجود دارد (بهاری، ۱۳۸۸، ص ۴). فرزندان طلاق اغلب دچار جراحات عاطفی می‌شوند و از این رو موجب خسران اجتماعی را فراهم می‌سازند. بنا بر گفته حمیدیان، سرپرست مجتمع فضایی خانواده تهران، ۸۰ درصد جمعیت کانون اصلاح و تربیت مربوط به همین امر است، یعنی آنها بچه‌های طلاق هستند (شیرزاد و کاظمی‌فر، ۱۳۸۴، ص ۳۶). شایان ذکر است در برخی پژوهش‌ها، تأثیرات و پیامدهای طلاق بر کودکان نیز به لحاظ جنسیتی متفاوت ارزیابی شده است، به طور مثال، در پژوهشی که به بررسی وضعیت بهداشت روانی کودکان طلاق پرداخته است. مشخص شد که در شش بعد افسردگی، اضطراب، شکایات جسمانی، حساسیت در روابط متقابل، اضطراب فوبیک و افکار پارانوئید، میانگین نمرات دختران بیشتر از پسران است و در عوض در بعد پرخاشگری میانگین نمرات پسران بیشتر از دختران است (شریفی درآمدی، ۱۳۸۶، ۷۱-۹۸).

آثار طلاق، در فرزندان بسیار شدید است و عقده‌هایی غیرقابل تحمل و همراه با نفرت در آنان به وجود می‌آورد که شدیدتر از وضع یتیمی است. آنها اغلب مجبورند به زندگی در کنار یکی از والدین بسنده کنند و زندگی همراه با ترس و شقاوت را بگذرانند. کاهش میل به ازدواج در دیگر افراد خانواده و به‌ویژه بچه‌های طلاق، قابل شهود است. «اگر پدران و مادران بدانند طلاق و جدایی، چه محرومیتی را برای فرزندان پدید می‌آورد و دل‌های

نازك اطفال را چگونه می‌شکند و آنها از چه لذاتی محروم می‌شوند، شاید هرگز به این کار تن در ندهند. طلاق، ضمن اینکه کودک را دچار اختلال‌های عاطفی - رفتاری می‌کند، در مواردی قدرت اراده و اندیشه را از او باز می‌ستاند و پریشانی او، اثرات شومی را مادام‌العمر عارض او می‌کند. ضمن اینکه در وضع تحصیلی کودکان محصل نیز اثر گذاشته و توان فعالیت و حتی ورزش را از او می‌گیرد» (www.tahoorkotob.com) آسیب طلاق بر نوجوانان کمتر از آسیب این واقعه بر کودکان نیست، فقط این دو آسیب کیفیت متفاوتی دارند. یکی از مسائلی که همیشه در رابطه با طلاق مدنظر قرار می‌گیرد، سطوح رشدی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که: «واکنش‌های مربوط به طلاق متناسب با سن صورت می‌گیرد. پژوهش‌های والرستین و کلی و کاردک و برگ نشان می‌دهد که نوجوانان تا حدی بهتر از کودکان به طلاق سازگاری مجدد نشان می‌دهند، اما با این وجود باید در برخورد با نوجوانان طلاق‌زده و آسیب‌دیده از جدایی والدین، احتیاط بیشتری را لحاظ کرد (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص ۶۶). براساس پژوهش‌های انجام شده، هفتاد درصد افرادی که دچار آسیب‌های اجتماعی می‌شوند فرزندان طلاق هستند، از این رو توجه به مقوله پیشگیری از طلاق اهمیت خاصی دارد.

پیامدهای طلاق بر زنان مطلقه: مشکلات اقتصادی و معیشتی، تن دادن به ازدواج‌های موقت و یا خارج از عرف اجتماعی، افسردگی، کاهش رضایت از زندگی، پذیرش نقش‌های چندگانه و روی آوردن به جرائمی مانند قتل، خودکشی، اعتیاد، فحشا، سرقت و آسیب‌هایی مانند انزوا در تعامل‌های اجتماعی، روی آوردن به فساد اخلاقی، مشکلات ناشی از ترک حضانت فرزندان و...، از جمله آثاری است که زنان مطلقه با آن درگیر هستند. براساس پژوهش‌ها، «زنان طلاق بیشتر از زنان دیگر احساس تنهایی می‌کنند. احساس ناامنی اجتماعی و عدم تعلق خاطر در این زنان بیش از دیگران است و زندگی در جامعه شهری برای افراد کم‌درآمد بسیار سخت است» (آقاجانی، ص ۵۳). «خانم‌ها پس از طلاق شانس یک ازدواج مناسب را از دست خواهند داد و با یک نوع بدبینی و سوء ظن به جامعه می‌نگرند» (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۴۵).

پیامدهای طلاق بر مردان: فشارهای روحی و روانی، ابتلا به انواع جرائم مانند اعتیاد به مواد مخدر، خودکشی، فحشا، مصرف الکل و انحراف‌های جنسی و آسیب‌هایی مانند اختلال‌های رفتاری، قرار گرفتن در معرض انواع بیماری‌های عفونی و ویروسی، از دست دادن پیوند با خانواده، طرد خانوادگی و اختلاف با سایر اعضای خانواده، تن دادن به ازدواج‌های موقت و ازدواج دوم، اختلاف میان فرزندان با همسر در صورت ازدواج مجدد از جمله پیامدهای منفی طلاق بر مردان است.^۱ از جمله پیامدهای زیان‌بار طلاق در مردان نیز، این است که آنان را افرادی غیرمتعهد بار می‌آورد. آمار جنایی نشان می‌دهد که تعداد این افراد در میان زندانیان قابل ملاحظه است.^۲

پیامدهای طلاق بر جامعه: گذشته از اعضای خانواده، پیامدهای ناشی از طلاق، می‌تواند اجتماع را تحت تاثیر قرار دهد و پیامدهایی در جامعه به همراه داشته باشد. افزایش جرایم اجتماعی، تزلزل اجتماعی، بی‌ثباتی جامعه، فروپاشی خانواده به عنوان مهمترین و اولین نهاد اجتماعی پایه، افزایش هزینه‌های اجتماعی برای جلوگیری و کنترل جرایم و ناهنجاری‌ها و انحراف‌های ناشی از طلاق، افزایش کودکان خیابانی و سایر آسیب‌های اجتماعی مانند فرار از منزل، تکدی‌گری، قتل، خودکشی، اعتیاد، قاچاق و...، افزایش تعداد زنان خود سرپرست و مشکلات معیشتی، روانی اجتماعی و اخلاقی آنان و سایر نابسامانی‌های شخصیتی، اجتماعی و رفتاری افراد مطلقه و فرزندان آنان از جمله عوارض اجتماعی ناشی از طلاق هستند. جامعه ما نسبت به زنان مطلقه پیش‌داوری منفی دارد، قریب نود درصد زنان طلاق گرفته را نمی‌پذیرند. «براساس آمارهای رسمی و غیررسمی و اظهاراتی که توسط مسئولان دادگاه خانواده ارائه شده، از هر ۴ یا ۵ ازدواجی که صورت گرفته، یک مورد آن متاسفانه به طلاق می‌انجامد».^۳ طلاق، جامعه را از حرکت بازداشته و آنرا عقیم می‌کند. طلاق روح پویایی را می‌کشد و علاقه و اشتیاق جوانان را به تشکیل خانواده سست

۱. <http://www.tebyan-zn.ir/blest-family.html>

۲. www.tahoorkotob.com

۳. Cheraghi.parsiblog.com

می‌کند و اعتماد اجتماعی را سلب و مخدوش می‌کند (مجبی، ۱۳۸۰، ص ۲۱). براساس پژوهش‌های انجام شده، فراوانی طلاق در ۵ سال اول زندگی مشترک رخ داده است (اخوان تفتی و سیف، ۱۳۸۲). ازدواج و طلاق در وضعیت کنونی به مراتب دشوارتر از چیزی است که در قوانین پیش‌بینی شده است زیرا عموم خانواده‌ها به دلایل مختلف از جمله دشوارسازی راه طلاق، مهریه‌های سنگین را بر جوانان تحمیل می‌کنند که گاهی همین رویکرد، منشا سوء استفاده‌هایی می‌شود و برای برخی از دختران و خانواده‌های ناصالح، وسیله تجارت را فراهم می‌آورد (نشریه خبرگزاری مهر، ۱۳۸۶، ش ۱۹۳)^۱.

پیامدهای اقتصادی طلاق و تحمیل هزینه‌های سنگین بر دولت: طلاق، اثرات اقتصادی نیز برای جامعه در بر خواهد داشت. زیرا تعادل روحی نیروی انسانی و تولید خدمات را در جامعه برهم می‌زند و منجر به بروز اثرات سهمگینی بر حیات اقتصادی جامعه خواهد شد (آزاد، ۱۳۷۷، ص ۲۰۳). همچنان که گفته شد، یکی از پیامدهای اجتماعی طلاق، گرایش به مصرف مواد مخدر و اعتیاد بود و آمارها مؤید این نکته بود که بیشتر جرم و بزهکاری‌های کودکان و نوجوانان، ریشه در طلاق و از هم پاشیدگی کانون گرم خانواده دارد. بدیهی است اعتیاد به مواد مخدر، موجب ضرر و زیان و آسیب‌های فردی و اجتماعی فراوانی می‌شود و زمینه را برای بسیاری از کج‌روی‌ها فراهم می‌کند. از این رو، در ایران و بسیاری از کشورها، اعتیاد، جرم دانسته شده است. دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر در فروردین ۱۳۸۱ اعلام کرد بودجه اختصاص داده شده به این ستاد، در سال جاری ۶۰۰ میلیارد ریال بوده که نسبت به سال گذشته سه برابر شده است.^۲ طبق برآوردهای صورت گرفته، خسارت‌های اقتصادی ناشی از سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر در ایران براساس محاسبه‌ای که در سال ۱۳۷۳ صورت گرفته، بالغ بر ۴۸۰ میلیارد تومان است که این میزان در هر سال رو به افزایش است. این رقم در حال حاضر، بیش از

۱. www.mehrnews.com

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۱ فروردین ۱۳۸۱

۷۰۰ میلیارد تومان در سال تخمین زده می‌شود. این مقدار تنها شامل هزینه‌های قابل محاسبه از قبیل دستگیری‌ها، رزمایش‌ها، محاکمه‌ها، نگهداری، هزینه‌های بازپروری معتادان، هزینه‌های انسداد مرزها و مانند آن است.^۱ و اگر بخواهیم همه هزینه‌های جانبی آن را حساب کنیم میزان هزینه با اعلام رئیس سازمان بهزیستی کشور: «معتادان سالانه ۲۷۰۰ تا ۳۳۰۰ میلیارد تومان به اقتصاد کشور لطمه می‌زنند» (روزنامه اطلاعات، ۲۰ اسفند ۱۳۸۷).

همچنین هزینه مصرف مواد مخدر توسط معتادان در ایران، مقدار قابل توجهی است. زیرا اگر هزینه آن را برای هر معتاد تا ۳۰۰ تومان تخمین بزنیم و آن را در تعداد معتادان، یعنی دو میلیون نفر، ضرب کنیم رقم بسیار بالایی به دست می‌آید و این به معنای دود کردن و به هدر دادن بخش عظیمی از سرمایه مادی و قدرت اقتصادی این مملکت است. قابل توجه است که این مقدار هزینه، فقط مربوط به بخش هزینه مادی مسئله اعتیاد است. در حالی که بخش مهم‌تر آن، از دست دادن سرمایه‌های انسانی است؛ افرادی که می‌توانند نیرو و توان خویش را در جهت عمران و پیشرفت کشور به کار گیرند و در سازندگی آن سهم بسزایی داشته باشند، از میان نیروهای مخلص و فداکار مبارزه با مواد مخدر، تاکنون ۳۳۰۰ نفر به شهادت رسیده‌اند (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۹۱/۱/۳۱). همچنین چند برابر این میزان زخمی و معلول داشته‌ایم. امروزه بخش معظم زندانیان کشور ما را مجرمان مواد مخدر تشکیل می‌دهد. آمارها نشان می‌دهد که قریب ۶۰ درصد از فضای زندان‌های کشور ما را معتادان و مجرمان مرتبط با مواد مخدر اشغال کرده‌اند. (روابط عمومی ستاد مبارزه با مواد مخدر)^۲. البته ابعاد مختلف پیامدهای اقتصادی طلاق بسیار گسترده است و ضرورت دارد در این خصوص، پژوهش‌های جامع‌تر و کامل‌تری انجام گیرد.

۸. راهبردهای کاهش طلاق

زدایش رمانتیسم ازدواج: یکی از مسائل مهم در ازدواج، شناخت فرد نسبت به خود، محیط پیرامون و انسان‌های دیگر است. در آغاز آگاهی دادن نسبت به نسیت پدیده‌های

۱. www.noormags.com

۲. انتشارات امور فرهنگی، همت کنیم طوفان اعتیاد فردا را ویران کنیم. ص ۷ www.aftabir.com

اجتماعی مطمح نظر است. جوان یا هر انسانی که دست به ازدواج می‌زند، باید بداند که زناشویی نیز همانند دیگر امور و پدیده‌های اجتماعی دارای جهات مثبت و منفی است و باید از آرمان‌سازی مفرط در مورد ازدواج اجتناب ورزید (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷). ازدواج از طرفی رسیدن به خواسته‌ها و مطلوباتی را فراهم می‌کند و از طرف دیگر او را متعهد به پذیرش مسئولیت‌ها و وظایف جدیدی قرار می‌دهد و البته با بخاطر سپردن این نکته که برخورداری از هر موهبت، بهایی به همراه دارد.

هم کفوی و شناخت متقابل جایگاه یکدیگر و وظایف خود نسبت به دیگری: در مرحله همسرگزینی، توجه به سفارش‌های اسلام برای انتخاب همسر آینده و تحت تاثیر احساسات قرار نگرفتن مسئله‌ای کاملاً ضروری است. در غیر این صورت پس از گذشت مدتی و مواجه شدن با واقعیت‌های ازدواج، ناسازگاری‌ها شروع و چه بسا به طلاق ختم شود. کفویت در ایمان، شرط اصلی و اساسی انتخاب همسر است و نیز همسویی فکری، عقیدتی و اخلاقی نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. در رابطه با آیه شریفه: «...هن لباس لکم و انتم لباس لهن...» (بقره/ ۱۸۷) آمده است: در تشبیه همسر به لباس، نکات و لطایف بسیاری است، از جمله لباس باید متناسب با تن انسان باشد. لباس تنگ و گشاده، نه تنها انسان را بخوبی از سرما و گرما محافظت نمی‌کند، بلکه باعث سلب آرامش انسان و در نتیجه تعویض لباس می‌شود (حکیم و زاهدی‌فر، ۱۳۸۹، ص ۳۱۰). زن و مرد قبل از ازدواج، باید به وظایف تشریعی خود آشنا باشند و بدانند به همان میزانی که مرد در حفظ کانون گرم خانواده نقش دارد، زن نیز نقش دارد و اگر به این وظایف توجه لازم نشود به مرور زمان نظام خانواده به هم ریخته و نتایج ناخوشایندی در انتظار آنان خواهد بود.

تقویت دین باوری: مرحوم نراقی می‌فرماید: «قوام همه موجودات به محبت منوط و انتظام سلسله ممکنات، بدان مربوط است» (نراقی، ۱۳۸۷، ص ۷۰۷) و نیز «بالاترین همه محبت‌ها آن است که محبت به خدا باشد» (همان، ص ۷۰۸). تقویت مبانی اعتقادی و مذهبی جامعه بویژه زن و شوهر، عامل بسیار مهمی در استحکام خانواده و در نتیجه کاهش شدید طلاق است. در تمام طلاق‌های غیر ضروری، ردپای بی‌دینی و بی‌تقوایی، مشهود

است. حاکمیت بخشیدن به دین و ارزش‌های دینی باعث می‌شود محبت روزافزون شود و با کوچک‌ترین ناسازگاری، بنای مستحکم خانواده متزلزل نشود. همسرانی که براساس ارزش‌های دینی و اعتقادهای مذهبی پرورش یافته‌اند از آفت‌های بسیاری که نمونه‌های محدودی از آن گفته شد در امان می‌مانند. «آنان که ایمان مذهبی دارند کمتر به طلاق روی می‌آورند تا آنان که چنین ایمانی ندارند. بی‌هیچ شبهه، علت این امر آن است که معمولاً در لوای دین و اعتقادهای مذهبی، طلاق بُعدی اخلاقی می‌پذیرد و ایمان به تداوم حیات خانواده کمک می‌کند» (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص ۹۷).

اجتناب از تمتع آنی و مصلحت‌گرایی فردی: زمانی که در یک جامعه ارزش‌های اساسی آن تنها بر لذت‌طلبی، بهره‌وری و تمتع استوار می‌شود، همه چیز در چارچوب امور مادی و حتی جسمانی خلاصه خواهد شد. روابط انسان‌ها از بعد معنوی تهی شده و فقط بر پایه التذاذ آنی قرار خواهد گرفت و مسلماً این روابط، روابطی بسیار شکننده و آسیب‌پذیر خواهد بود. در این میان خانواده و روابط زوجیت به‌عنوان جزئی از این جامعه مستثنی نبوده و آمار طلاق رو به فزونی خواهد گذاشت.

ترک خودمحوری و افزایش هم‌دلی: هرگاه انسان یا انسان‌هایی، دیگری یا دیگران را با خود و ارزش‌های خود ارزیابی کنند، دچار خودبینی شده‌اند که خود جلوه‌ای از خودگرایی و در نهایت محبوس شدن انسان است در زندان خودخواهی. این حالت‌ها، هر یک به نحوی و در حدی خاص بر روابط انسان با دیگران آثار منفی بر جای می‌گذارد و به سستی ارتباط، ناامنی آن و در نهایت انزوای اجتماعی و پیدایش خلا اجتماعی منتهی می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۳). هم‌دلی یا ایجاد احساس اشتراک مستلزم بسط نوعی درون‌کاوی نیز هست که به نوعی حساسیت روانی و ذهنی آنرا طلب می‌کند. بنابراین جز در انسان‌های «فهمیده» و با ذهنی باز و آگاهی کافی به چشم نمی‌خورد. از همین رو است که امروزه در بیشتر کشورهای جهان کوشش‌های وسیعی در راه بسط این سازوکار روانی به عمل می‌آورند. به عنوان مثال سخن از «آگاهی آموزی» است، بدین معنی که با جلسات بحث و گفتگو، ذهن انسان‌ها را نسبت به خواست‌ها و انتظارات دیگران

حساس تر کرده، موجب توجه آنان را به دیگری یا دیگران فراهم سازند تا از این طریق انسان از لاک خودخواهی و خودگرایی به در آید، به سوی دیگران کشیده شود و درد و راحت آنان را از آن خویشتن سازد (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۵).

در رابطه با زندگی زناشویی نیز بدیهی است زمانی که خودخواهی محور شود، شخصی که تنها رفاه و سعادت‌مندی خود برایش ملاک است بخاطر خواست و میل خود راضی به از هم پاشیدن خانواده می‌شود و تامین سعادت همسر و فرزندان و حق آنها در داشتن زندگی سالم و بانشاط زیر پا گذاشته می‌شود. به گفته حقوق دانان، «کودکی که بخاطر جدایی پدر و مادر ناچار است تا یکی از دو محبت را از دل بیرون کند در واقع نیمی از دنیای خود را تمام شده می‌داند. بیشتر این کودکان از داشتن مربی دلسوز محروم می‌مانند و آمار نشان می‌دهد که پدر و مادر ۷۰ درصد از جوانان مجرم، از هم جدا شده بودند» (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۲۸۴).

جدی انگاشتن بحران ارزش‌ها و نقش رسانه‌های جمعی: تصادم نوگرایی و پابندی به سنت‌های دیرین، باعث بروز مشکلات خاص در اجتماع خواهد شد. بدین معنا که بسیاری از موضوعات بی‌ارزش دیروز، در محدوده عناصر نوین و مقبول امروزی قرار می‌گیرد و بسیاری از عناصر مطلوب اجتماعی از قلمرو ارزش‌های اجتماعی خارج می‌شوند و این تضاد، نظام ارزش‌های جامعه را دستخوش آشوب قرار داده و بازتاب آن بر خانواده نیز قابل مشاهده است. ارزش‌های معنوی، انجام وظیفه و فداکاری، جای خود را به کشمکش و نابسامانی در خانواده می‌دهد که حاصل آن افزایش طلاق خواهد بود. در جامعه‌ای که تلویزیون آن آرامش، آسایش و خوشبختی را در داشتن انواع و اقسام لوازم غیرضروری و پرهزینه زندگی، تبلیغ می‌کند و روزنامه و...، تجملات و پرداختن به نیازدگی را ترویج می‌کند، باید انتظار کشمکش‌های زن و شوهر بر سر تهیه آنرا داشته باشیم (حکیم، ۱۳۸۹، ص ۳۳۲).

بحث و نتیجه گیری

یکی از مسائلی که باید به آن توجه کرد و امروزه نیز مورد تایید علمای اسلام است این است که حقیقت ازدواج پیمان دو روح است و علاقه زوجیت برتر از علاقه جنسی است و در متن خلقت طرح یگانگی دو روح ریخته شده است. لذت روحانی تشکیل خانواده، به مراتب بالاتر از تمتعات دیگر است، زیرا انسان نیازمند به روح دیگری است که از نظر عشق و محبت با او متحد باشد و سرنوشت مشترکی داشته باشند. ازدواج تشکیل یک کانون مقدس است و دلیل تقدس آن از سه جهت است که عبارت‌اند از: خروج از خودپرستی و اتحاد صمیمی پیدا کردن با روحی دیگر که باعث تعدیل ملکات در انسان می‌شود و همچنین مانع وقوع در معصیت شده و روح را عالی می‌کند و سوم آنکه علقه ازدواج، مکتب مقدسی است که نسل آینده بشر از آن بوجود می‌آید. نکته قابل توجه این است که از دیدگاه اسلام ازدواج دارای تعهدها و مسئولیت‌های بسیاری است که هر یک از طرفین ازدواج ملزم به پذیرش مسئولیت‌های خود هستند. در بحث نفقه، تعهد به انفاق در فقه و حقوق ایران، امری یک طرفه و برعهده زوج است؛ این امر منوط به تمکین زن بوده و میزان و حدود آن بستگی به احتیاج‌های زوجه و شأن او دارد و زوج گرچه معسر باشد، از این تعهد رها نخواهد شد. از مجموع مباحث و نقطه نظرات اشاره شده، نکات زیر به اختصار قابل اشاره است:

۱- اسلام ضمن اینکه به زن (زوجه) آزادی و استقلال اقتصادی داده است، خواهان شکسته نشدن جمال و غرور زن به جهت دل‌نگرانی او از درآمد و تأمین معاش است. آزادی طبیعی زن برای تحصیل مال و ثروت باید حفظ شود، ولی در تأمین اقتصاد نباید دغدغه و اجباری برای او وجود داشته باشد. ثمره این آرامش و نشاط باعث ایجاد محیطی امن و آرام در محیط خانواده نیز خواهد بود. و این بزرگ‌ترین امتیازی است که شرع مقدس اسلام و به دنبال آن قانون مدنی برای زن در نظر گرفته است. در نظام اسلامی، زن و مرد به دلیل تفاوت در طبیعت وجودی شان هر یک مسئولیت‌های ویژه و متفاوتی دارند. اسلام با وجود اینکه از حقوق زن دفاع می‌کند و به کرامت او عمیقاً معتقد است، به مساله تشکیل

خانواده و تاثیر مادر در تربیت فرزند، نگاهی مثبت و احترام آمیز داشته و بر این مسئله تاکید می کند.

۲- زنان که تا پیش از صنعتی شدن جامعه، محور خانواده و منبع برآورده شدن نیازهای معنوی و ستون خانواده خود بوده اند، با حضور گسترده در کارخانه ها و کارگاهها، به دلیل ساعات طولانی کار در خارج از منزل، به موجوداتی خسته، بی مهر، بی رمق و بیگانه با همسر و فرزند تبدیل شدند که حتی در یک دیدگاه فمینیستی، نداشتن فرزند را حسنی بزرگ و گامی جدی در برخورداری از آزادی کامل بر می شمردند. برخی اندیشمندان غربی معتقدند با جافتادن جریان فمینیسم، مردان از موقعیت رهبری خود در جامعه کناره گیری کردند، بگونه ای که نسل به نسل تمایل مردان به داشتن مسئولیت کمتر شده و حالت انفعال، بازنشستگی و حتی زنانگی بخود گرفته اند، درحالی که زنان مسلط تر و مردانه تر شده اند و کمرنگ شدن نقش مردانه، اثرات نامطلوبی بر بنیان های خانوادگی گذاشته است. برخلاف این دیدگاه، از منظر آموزه های دینی و اسلامی زنان البته با در اولویت قرار دادن خانواده و حفظ آن به تحصیل دانش، شرکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی، تلاش برای رشد معنوی و اخلاقی و حتی حضور در میدان جنگ یا دفاع در مواقع ضروری ترغیب و تشویق می شوند.

۳- در موضوع الزام زوج به تأمین نفقه زوجه خود، علاوه بر وجود دلایلی از کتاب و سنت، بنای عقلا نیز بر وجوب آن دلالت دارد، طبیعت و خلقت زن، برحسب ویژگی های خاص زن و روحیه حساس و لطیف او و مسئولیت های خاصی که برعهده دارد، از جمله مادر شدن، تربیت فرزند و مدیریت منزل، خداوند او را به تأمین مخارج و هزینه زندگی خود و دیگران ملزم نساخته است.

۴- اگر مرد اموالی دارد ولی آنها را پنهان کرده است و از پرداخت نفقه زوجه خودداری می کند، به پرداخت نفقه هم ملزم نمی شود، بیشتر فقهای امامیه می گویند: زن به حاکم رجوع می کند و چنانچه مرد به انفاق اقدام نکند، حاکم اختیار دارد زوجه را مطلقه کند.

۵- براساس حقوق تطبیقی، در برخی کشورها، نفقه یک تکلیف متقابل است مانند کشور فرانسه، که تعهد به انفاق براساس قوانین اولیه ازدواج، که یکی از آنها معاضدت است، امری دوطرفه و برعهده زن و شوهر است که برحسب اقتدار و توانایی مالی خود تأمین بخشی از هزینه‌های زندگی خانواده و فرزندان را به عهده می‌گیرند.

۶- در حقوق ایران، تنها زوجینی که مابین آنها عقد نکاح منعقد شده است، می‌توانند ادعای برقراری رابطه انفاق کنند. اما در حقوق کشور انگلستان، رابطه انفاق بین زوجینی که مبنای زندگی مشترک آنها عقد نکاح نبوده نیز برقرار است. البته به شرطی که این رابطه به اندازه کافی استمرار داشته و از نظر قانونی ایجاد حق کرده باشد.

۷- برای تأمین مطالبات یکی از طرفین ازدواج، در قوانین برخی کشورها مانند فرانسه راهکارهای جالبی پیش‌بینی شده است؛ به این صورت که اگر فرد مدیون، مطالبات طلبکار را پرداخت نکند، نخست به صورت پرداخت مستقیم از کارفرما یا منبع درآمد او به طور خودکار دریافت می‌شود. سپس اگر این روش امکان نداشت، مطالبات از طریق پوشش عمومی پرداخت می‌شود. به این صورت که خزانه‌داری دولت مطالبات فرد طلبکار را پرداخت می‌کند و طرف مدیون در مقابل دولت قرار می‌گیرد و در صورت نپرداختن بدهی برحسب خسارت تأخیر تأدیه دین، بدهی او به طور تصاعدی افزایش می‌یابد و بدین ترتیب فرد مدیون راهی برای فرار از دین خود ندارد، شاید این روش با مطالعه و بررسی بیشتر برای تسریع احقاق حق زوجین، به خصوص زوجه، در کشور ایران قابل اجرا باشد.

۸- یکی از موضوعات مهم و مورد ابتلاء که در فقه اسلامی و حقوقی مدنی مورد بحث و بررسی واقع شده است، وکالت زوجه در طلاق است که زوجه می‌تواند از طریق شرط ضمن عقد نکاح، چنین اختیاری را برای خود تحصیل کند، در این صورت وکالت زن، مادام که ازدواج منحل نشده، باقی خواهد ماند. مزیت اینگونه وکالت آن است که دست‌یابی به طلاق را برای زن آسان می‌سازد و اختیار مطلق مرد در طلاق را که در بیشتر کشورهای اسلامی معتبر است تا حدی تعدیل می‌کند.

۹- از آنجا که مطابق قوانین فقهی و مدنی، مهریه، اجرت المثل، ارث زوجه و تنصیف اموال حاصله در طول زندگی مشترک زوجین (که یکی از شروط ضمن عقد مندرج در عقدنامه‌های رسمی است)، به‌عنوان حقوق و پشتوانه مالی زوجه محسوب می‌شود، لازم است تدابیری انجام شود تا در این شرایط ویژه به‌خصوص در شرایطی که طلاق به دلایلی نظیر ترک انفاق همسر یا اعتیاد او و نظایر آن انجام می‌شود، زنان بطور کامل نسبت به حقوق مالی خود آگاهی داشته و در مسیر درست به آن دست یابند.

۱۰- در پایان باید توجه داشت طلاق به هر دلیل که صورت گرفته باشد، چه به دلیل ترک پرداخت نفقه یا عجز از پرداخت آن توسط زوج، یا تفاوت‌های طبقاتی و یا دلایل دیگر، علاوه بر پیامدهای منفی آن بر هر فرد از افراد خانواده طلاق، پیامدهای اجتماعی گوناگون آن نیز، آثار سنگین و غمباری (جسمی، روحی، اقتصادی، فرهنگی و جانی) را بر جامعه تحمیل خواهد کرد. مشکلات اقتصادی و معیشتی، تن دادن به ازدواج‌های موقت و یا خارج از عرف اجتماعی، افسردگی، کاهش رضایت از زندگی، پذیرش نقش‌های چندگانه و روی آوردن به جرائمی مانند قتل، خودکشی، اعتیاد، سرقت و آسیب‌هایی چون انزوا در تعامل‌های اجتماعی، روی آوردن به فساد اخلاقی، مشکلات ناشی از ترک حضانت فرزندان و... از جمله آثاری است که زنان مطلقه با آن درگیر هستند. همچنین از جمله عواملی که در ازدیاد آمارهای فحشا و فحشاهای خیابانی نقش داشته، افزایش طلاق در سال‌های اخیر و تاثیرپذیری زنان و دختران از مدهای آرایشی، البسه وارداتی و... است.

۱۱- از جمله پیامدهای منفی طلاق بر مردان نیز می‌توان فشارهای روحی و روانی، ابتلا به انواع جرائم مانند اعتیاد به مواد مخدر، خودکشی، فحشا، مصرف الکل و انحراف‌های جنسی و آسیب‌هایی چون اختلالات رفتاری، قرار گرفتن در معرض انواع بیماری‌های عفونی و ویروسی، از دست دادن پیوندها با خانواده، طرد خانوادگی و اختلاف با سایر اعضای خانواده، تن دادن به ازدواج‌های موقت و ازدواج‌های دوم و اختلاف میان فرزندان با هم‌سر در صورت ازدواج مجدد نام برد. طلاق علاوه بر اینکه فرصت ایفای مادری را از زنان می‌گیرد، باعث رانده شدن نقش آنها از منزل به خارج از منزل شده که از آثار آن

ضمن محرومیت فرزندان از عواطف مادری و نیز محرومیت از حراست و مدیریت دقیق مادران، که از حساس‌ترین و مهم‌ترین مدیریت‌هاست، همچنین کاهش آموزش‌های اخلاقی و رفتاری که فرزند در سنین و مقاطع مختلف بطور جدی به آنها نیازمند است را می‌توان بر شمرد.

۱۲- فرزندان طلاق به دلیل مشاهده جنجال‌های خانوادگی از روحیه حساس و شکننده‌ای برخوردارند و به ندرت دیده شده که با فرد دیگری که بجای پدر یا مادر به زندگی آنها وارد می‌شود ارتباط خوبی برقرار کنند. معمولاً آنها فشارهای روحی را تا آخر عمر با خود داشته و در برخی موارد نیز آسیب‌های روحی در غالب حس انتقام از جامعه بروز می‌کند و فرد را از داشتن یک زندگی سالم محروم می‌کند. گاهی بی‌بهرگی از محبت‌های بی‌دریغ والدین و آزار دیدن از اطرافیان، سبب ایجاد حقارت شدید در آنان شده و شخصیت معصوم آنان را به شخصیتی عصیانگر تبدیل می‌کند. زودرنجی، بهانه‌جویی، پرخاشگری، گوشه‌نشینی، شک و دودلی، بی‌اشتهایی و اضطراب در این کودکان به وضوح قابل مشاهده است. فقدان بنیان مادری که رسالتی بزرگ بوده و لایق زنان صالح است و فقدان شرایط سالم خانوادگی و فروپاشی خانواده از یک سو و تعارض‌های اجتماعی و اخلاقی از سوی دیگر، مسائل گوناگون اجتماعی و اخلاقی را در پی خواهد داشت. پناه بردن فرزندان طلاق به گروه‌های دو ستی، خانه‌های مجردی، پارتی‌های شبانه، فرار آنها به شهرهای بزرگ و قرار گرفتن در معرض سوء استفاده‌های جنسی یا اقتصادی، ورود آنها به شبکه‌های مصرف و توزیع مواد مخدر، انواع سرقت و شبکه‌های هنجارشکن مانند ارادل و اوباش از دیگر پیامدهای خانواده‌های از هم گسسته است.

از دیگر مسائل هولناک فروپاشی خانواده که در جهان و به‌خصوص غرب مطرح است، مسئله روسپیگری، سفارش‌های پستی دختران و کودکان، توریسیم جنسی، پورنوگرافی و نیز هم‌جنس‌خواهی را می‌توان یاد کرد. آمارها حاکی از آن است که میان هفتاد صد هزار تا دو میلیون کودک و زن هر سال در سراسر جهان قاچاق می‌شوند و دسترسی به فناوری‌های نوین به ویژه اینترنت نیز موجب تسریع این روند شده است. مسلم است که با وجود چنین

مسائلی در امنیت روانی و اجتماعی شهروندان اختلال ایجاد شده و باعث نگرانی خانواده‌ها از آینده فرزندان خود خواهد شد. تحمیل هزینه‌های سنگین به دولت نیز از دیگر پیامدهای فروپاشی خانواده‌هاست. با توجه به رشد جمعیت و توسعه شهرها و افزایش جرایم خرد، نیروی انتظامی با کمبود بیش از هزار کلانتری و پاسگاه انتظامی مواجه است (معاونت طرح و برنامه ناجا). در حوزه مبارزه با مواد مخدر، کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی سالیانه بیش از پنجاه میلیارد تومان بودجه به این ستاد اختصاص می‌دهد، در حالی که این مبلغ بخش کوچکی از ماموریت‌های این سازمان را تشکیل می‌دهد، زیرا مراکز بازپروری قادر به جمع‌آوری و نگهداری معتادان خیابانی و رهاشده از خانواده‌ها در تمام شهرهای بزرگ نیستند. در حوزه خدمات درمانی سالیانه، هزینه سنگین آن بر دوش دولت قرار دارد به‌طور مثال در حوزه بیماری‌های مقاربتی مثل هپاتیت و ایدز که در اثر ترریق مواد مخدر و روابط جنسی بیشتر در کشور ایران گسترش یافته است و نظام سلامت کشور قادر به جمع‌آوری آن نیست و حضور آن‌ها در جامعه و جمع خانوادگی باعث افزایش و توسعه این بیماری در جامعه است.

پیشنهادها

در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور، توجه اصلی تا حد امکان در پیشگیری از بروز زمینه‌های آسیب‌پذیری زنان و به دنبال آن کودکان بوده و این وضعیت بهبود یابد. از آنجا که زنان به‌ویژه بانوان غیر شاغل ممکن است در شرایط مختلف ناامنی اقتصادی مانند ترک انفاق از سوی زوج، طلاق و... قرار گیرند بهتر است تدابیری اجرا شود تا آنان از منابع مادی مناسب به‌عنوان پشتوانه برخوردار شوند. در رویارویی با شرایط نامناسب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مانند فقر، بیکاری، بی‌مسکنی و نظایر آن‌ها، پیشگیری‌های اجتماعی لازم صورت گیرد.

در مقابله با بزهکاری، هدف تاثیرگذاری بر فرصت‌های پیش‌جنایی است که بتوان بر شخصیت افراد و موقعیت‌های پیش از ارتکاب جرم، با روش‌های غیر کیفری اثرگذار بود. بدیهی است تلاش‌های ناهمگرا و غیرمنسجم از طرف نهادهای مرتبط در پیشگیری از

بزهکاری موفقیت کمتری داشته است. به همین دلیل گرایش بسوی ایجاد راهکارها و سیاستی متمرکز در این راستا می‌تواند در پیشگیری از بزهکاری سودمند باشد.

تکیه بر اصلاح و تربیت در نحوه برخورد با اطفال و نوجوانان بزهکار و معارض با قانون در پیشگیری از وقوع جرم یا تکرار آن بسیار موثر است زیرا اغلب مجرمان حرفه‌ای امروز، کودکان بزهکار گذشته بوده‌اند که پس از تحمل کیفر به تدریج به دشمن جدی جامعه تبدیل شده‌اند. مسئله فرهنگ‌سازی در جامعه نیز امری بسیار ضروری است زیرا محیط فرهنگی بر شکل‌گیری شخصیت افراد و نوع رفتار آنها بسیار تاثیرگذار است. شناسایی و تحلیل معضلات فرهنگی اجتماعی اقتصادی و سیاسی از سوی رسانه‌های گروهی و نیز بکارگیری اقدامات و تدابیر مناسب در کاهش میزان بزهکاری می‌تواند نقش مهمی ایفا کنند. جوانان نیز در امر ازدواج باید مسائل مختلفی را به دقت مورد توجه قرار دهند. مسائلی از قبیل: الف) شناخت هرچه بیشتر همسر و توجه به سنخیت‌های فرهنگی تربیتی و خانوادگی او؛ ب) توجه جدی به مسئله ایمان و تدین زیرا دیانت در زندگی کمتر احساس امنیت و نارضایتی بوجود می‌آورد؛ ج) توجه به نقش و مسئولیت خود در زندگی زیرا رمز موفقیت خانواده‌ها در حفظ نقش‌ها در جایگاه خود است؛ د) آگاهی کامل از شروط ضمن عقد و چگونگی درج آن در عقدنامه و ه) استفاده از مشاوره‌های قبل از ازدواج در خصوص آگاهی از حقوق و تکالیف متقابل در زندگی خانوادگی در ابعاد جسمی و روحی.

در پیشگیری و کشف جرائم مشارکت مردم و جلب اعتماد آنان از اهمیت بسزایی برخوردار است و سزاوار است پلیس تعامل خود را با شهروندان افزایش دهد، این امر در کاهش هزینه‌های کشف و پیگیری جرائم بسیار موثر است.

توجه دست اندرکاران به ایجاد اشتغال و رونق یافتن کسب و کار؛ زیرا آسیب‌پذیری بازار کار علاوه بر دامن زدن به احساس ناکامی، عزت نفس را از بین برده و چه بسا منتهی به فعالیت‌های غیرقانونی شده و منشا بروز آسیب‌های اجتماعی شود. بدیهی است در این صورت بخشی از بهترین سرمایه‌های انسانی کشور به هدر خواهد رفت.

آموزش و پرورش، صدا و سیما و دیگر رسانه‌ها نیز در بالابردن سطح فرهنگ و دانش جامعه و افزایش شعور اجتماعی، آموزش‌های قبل و بعد از ازدواج و مهارت‌های زندگی و پرورش افکار عمومی نقش بسزایی دارند. این رسانه‌ها می‌توانند با برنامه‌های سازنده و دقیق و تشویق خانواده‌ها به مراعات اقتصاد و میانه‌روی در هزینه‌ها، اجتناب از ولخرجی، تجمل‌گرایی، تمایلات غیرعقلانی، رقابت‌های افراطی و نظایر آن، که خانواده‌ها را به پرتگاه سقوط و انحلال نزدیک می‌کند، مانع فروپاشی خانواده‌ها شوند. حفظ ارزش‌ها و عامل اعتقادی نیز در نجات از بسیاری معضلات، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که لازم است توجه کافی بدان مبذول شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- امام خمینی (ره)، سیدروح الله، تحریرالوسیله، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۷. ه. ش.
- امام خمینی (ره)، سید روح الله، تحریرالوسیله، نشر دارالکتاب اسلامی، چاپ دوم، ج ۲، ۱۳۹۰. ه. ق.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۴، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۷۵. ه. ش
- اخوان تفتی، مهناز و سیف، سوسن، «شوک پس از طلاق»، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن مشاوره ایران، زمستان ۱۳۷۸.
- اردبیلی، احمدبن محمد مقدس، زبده البیان فی احکام القرآن، مکتب المرتضویه، تهران، بی تا.
- اصفهانی، سید ابوالحسنی موسوی، وسیله النجاه، قم، مطبعه مهر استوار، بی تا.
- آقاجانی مرسا، حسین، "عوامل مؤثر بر طلاق بر حسب طبقه اجتماعی"، فصلنامه تخصصی جامعه شناسی، سال اول، ش ۲، ۱۳۸۴
- الماسی، نجادعلی، محمدی، مرتضی، "ترتیب اموال زوجین در حقوق ایران و فرانسه"، نامه مفید، ش ۲۹، ۱۳۸۱.
- آزاد، نقی، بررسی مسائل اجتماعی، نشر جهاددانشگاهی، ۱۳۷۷.

- بابایی، فاطمه، تعدیل ساختاری و فقر و ناهنجاریهای اجتماعی، انتشارات کویر، ۱۳۸۰.
- بهاری، رقیه، «بررسی عوامل موثر بر کودک آزاری جسمی در مراکز مداخله در بحران شهر تهران»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، ش ۴، پاییز ۱۳۸۸.
- جزایری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب اربعه، بیروت، دارالفکر، الطبعة الاولى، ۱۴۲۰ ه.ق.
- جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب اربعه، چاپ هفتم، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ج ۴، ۱۴۰۶.
- جیلانی قمی، میرزا ابوالقاسم بن الحسن (میرزای قمی)، جامع الشتات، چاپ سنگی، ۱۳۰۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، و سبط در ترمینولوژی حقوق، تهران گنج دانش، ۱۳۸۸.
- حاجی حسینی شاهرودی، حسن، نشریه ادیان و عرفان، «معرفت»، ش ۴۵، شهریور ۱۳۸۰.
- حبیبی تبار، جواد، در تحلیل ماهیت احکام انحلال نکاح به لحاظ ترک انفاق، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، سال چهارم، ش ۱۵، ۱۳۸۶.
- حرّعاملی، محمدبن حسن، وسایل شیعیه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۳ م.
- حسینی سیستانی، علی، منهاج الصالحین، بیروت، دارالمورخ العربی، ۱۴۱۷ ه.ق.
- حلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (محقق حلّی)، شرایع السلام، ج ۴، بیروت، دار الزهراء، ۱۴۰۹ ق.
- حلّی، محمدبن ادریس، السرائر، ج ۲، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- حلّی، جمال الدین ابی منصور (علامه حلّی)، مختلف الشیعیه فی احکام الشریفه، نسخه افسست سیخ احمد شیرازی، محرم الحرام، ۱۳۲۴ ه.ق.
- حلّی، جمال الدین ابی منصور، قواعد الاحکام فی السلسله النبیایع الفقهیه، جمع آوری علی اصغر مروارید، انتشارات الدارالسلامیه، ۱۴۱۰ ه.ق.
- حکیم، سید محسن، مستمسک، العروه الوثقی، بیروت، دارالتراث العربی، ج ۱۴، ۱۳۷۴ ه.ش.
- الدسوقی، شمس الدین محمد بن احمد بن عرفه الدوسقیف بی تا، حاشیه الدوسقی علی الشرح الكبير للدرّ دیر، ج ۲، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی، ادلته، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۸ ه.ق.
- زین الدین، محمدامین، حکمه التقوی، چاپ سوم، بی جا، مطبعه المهر.

- ساروخانی، باقر، طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج ۲، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۳.
- شمس الدین، ابی عبدالله، (شهید اول)، اللمعه دمشقیه، به نقل از النبیایع الفقیه، علی اصغر مروارید، بیروت، انتشارات موسسه فقه الشیعه، ۱۹۹۰
- شریفی در آمدی، پرویز، «مقایسه و وضعیت بهداشت روانی نوجوانان، طلاق و یتیم محروم از مادر و عادی سنین بین ۱۵ - ۱۸ سال، شهر اصفهان» فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی، سال ۲، ش ۸، تابستان ۱۳۸۶.
- شیرزاد، جلال و کاظمی فر، امیرمحمد، "آسیب شناسی طلاق"، نشریه حقوق دادرسی، سال نهم، ش ۵۴، آذر ودی ۱۳۸۴.
- شرافتی پور، جعفر، "ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی زنان خیابانی در شهر تهران"، فصلنامه تخصصی جامعه شناسی، سال اول، ش ۲.
- صادقی، عباس و حمیدی، حسن، «نوجوانی و پدیده بزهکاری» نشریه علوم تربیتی پیوند، ش ۳۰۷، سال ۱۳۸۴
- صفایی، سید حسن و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۰.
- طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، موسسه آل البیت، چاپ سنگی، ۱۴۰۴.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (علامع طباطبایی)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان، ۱۳۹۳.
- طباطبایی قمی، سیدتقی، مبانی منهاج الصالحین، ج ۲، ۱۰، قم، بی تا.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، عروه الوثقی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷.ه.ق.
- عاملی، شیخ زین الدین (شهید ثانی)، ۱۴۱۳.ق. سالک الفهم فی شرح شرایع الاسلام، ج ۷، قم، موسسه المعارف السلامیه.
- عاملی، شیخ زین الدین، الروضه البهیة، فی شرح اللمعه دمشقیه، انتشارات جامعه النجف الدینیة، ۱۳۹۸.ه.ق.

- طوسی، محمدبن حسن، (شیخ طوسی)، المبسوط فی الفقه الامامیه، ج ۶، بی جا، المكتبه المرتضویه، بی تا.
- طوسی، محمدبن حسن، الخلاف، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۴.ه.ق.
- طوسی، محمدبن حسن، النهایه، کتاب طلاق، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.ه.ش.
- فرشتیان، حسن، نفقه زوجه، تهران، نشر بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
- قمی، میرزا ابوالقاسم، جامع الشتات، ج ۱، تهران، کیان، ۱۴۱۳.ه.ق.
- قاسم زاده، مرتضی وره بیک، حسن، کیایی، عبدالله، تفسیر قانون مدنی، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۴.ه.ق.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.
- کی نیا، مهدی، پژوهشی در عوامل اجتماعی طلاق، مطبوعات دینی (قم)، ۱۳۷۳.
- کریمی، حسین، موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی (ره)، چاپ اول، قم، انتشارات شکوری، ج ۱، ۱۳۶۵.
- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ چهارم، تهران، مجد، ۱۳۸۳.
- محقق داماد، مصطفی، بررسی فقهی حقوقی خانواده، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چپا شانزدهم، ۱۳۹۰.
- محبی، سیده فاطمه، "آسیب شناسی اجتماعی زنان"، مطالعات راهبردی زنان، ش ۱۲، تابستان ۱۳۸۰.
- مساواتی، مجید، آسیب شناسی اجتماعی ایران، جامعه شناسی انحرافات، انتشارات نوبل، (تبریز)، ۱۳۷۴.
- مصدق صدقی، صدیقه، "نفقه زوجه در فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه"، نشریه رهنمون، تهران.
- مطهری، شهید مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ تهران، ۱۳۵۳.
- مغنیه، محمدجواد، فقه الامام جعفر الصادق، قم، قدس محمدی، بی تا.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، انتشارات مدیته العلم آیه الله العظمی السید الخویی، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۱۰.

- مهرپور، حسین، روشن، محمد، مطالبات زوجه و روش وصول آن، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- مهرپور، حسین، مباحثی از حقوق زن، تهران انتشارات اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۸۷
- میرشمسی، فاطمه، مبانی حقوق و تکلیف زن در ازدواج، تهران، نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- موسویان، اکرم سادات، "پیامدهای اجتماعی طلاق"، نشریه علوم سیاسی، ش ۱۹۳، سال هفدهم، دی، ۱۳۸۶.
- نجفی، محمدحسن، (صاحب جواهر)، جواهر الکلام فی شرح الشرایع الاسلام، نشر دارالکتاب السلامی، ۱۳۶۶.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷.
- نوری همدانی، حسین، توضیح المسائل، ج ۴، قم، ۱۳۷۳.
- ویژه، اورزولا و دیگران، «بررسی مقایسه‌ای شیوع کودک آزاری در دانش آموزان مقطع متوسطه بر حسب جنس، مقطع تحصیلی و سابقه طلاق در خانواده»، فصلنامه خانواده پژوهی، سال چهارم، ش ۴، تابستان ۱۳۸۷.
- یار ارشدی، علی، نفقه زوجه در حقوق ایران، انگلیس و هند، نشر بوستان توحید، تهران چاپ اول، ۱۳۷۹
- www.aftabir.com
- www.cheraghi.parsiblog.com
- www.mehrnews.com
- www.noormags.com
- www.tahoorkotob.com
- www.tebyan-zn.ir/blest-family.html